# طومار

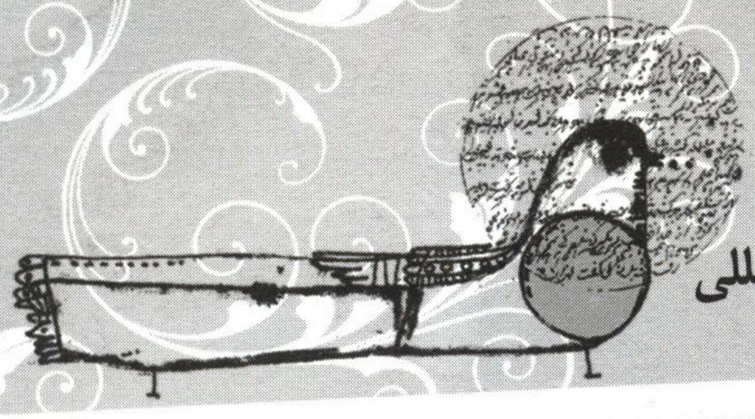

۵ شهریور ۸۶
نشریهٔ روزانه
سیزدهمین جشنواره بین المللی
نمایش های آئینی و سنتی

حمیدرضا اردلان ،عضو شورای سیاستگذاری

## آئین ها محصول دوره تسلط تولید است نه مصرف

غمنامه‌ای بر عنایت الله شهیدی، اسطوره پژوهش در تعزیه

## که قدر مرد به علم است و قدر علم به مال

پژوهشکدهٔ نمایش های سنتی را جدی بگیریم

## آینده فرهنگی یک نظام اجتماعی در گرو تامین پژوهش است

## «داستان لورد آپایا» یک میراث اجدادی از هند

زنده یاد عنایت الله شهیدی
پژوهشگر بر گزیده یونسکو

به نام خدا

وقایع اتفاقیه

## آغازسخن

### فردا آئین اختتام است

اکنون که به روز پنجم جشنواره و آخرین روز اجراها رسیده‌ایم، دیگر زمان آن رسیده که درباره آنچه پس از جشنواره خواهد آمد، بیندیشیم؛ به مشکلات و معضلات این دوره و به ویژه فشارهایی که با توجه به کوتاهی زمان و نبود مکان، عرصه را بر گروه‌های داوطلب تنگ کرده بود و می‌تواند در دوره بعد نیز گریبانگیر جشنواره باشد. باید چاره‌ای اندیشید، زیرا هنر نمایش هنری وابسته به زمان و مکان به‌طور توامان است و اگر فراخوان جشنواره بعد، که دو سال دیگر نوبت آن فراخواهد رسید، دیر اعلام شود و یا دبیرخانه‌ای دائمی از همان فردای جشنواره سیزدهم در تکاپوی جشنواره چهاردهم نباشد، این مشکل اساسی در جای خود باقی خواهد ماند.

**فردا آئین اختتام است، یادتان باشد!**

**محمدحسین ناصربخت**

## دیدار معاون هنری وزیر ارشاد از نمایش‌های جشنواره

معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی روز گذشته با حضور در مجموعه تئاترشهر از بخش‌های مختلف جشنواره دیدن کرد.

محمدحسین ایمانی خوشخو به همراه حسین پارسایی، رئیس مرکز هنرهای نمایشی عصر دیروز با حضور در کافه‌تریای تالار اصلی مجموعه تئاترشهر و شرکت در مراسم ترنابازی حال و هوای دیدنی‌تری را به فضای قهوه‌خانه بخشید.

ایمانی پس از بازدید از بخش قهوه‌خانه به تماشای نمایش‌های روی صحنه در تالارهای مختلف مجموعه تئاترشهر نشست و با گروه‌های تئاتری گفت‌وگو کرد.

## سمندریان میهمان ویژه روز چهارم

حمید سمندریان مدرس و کارگردان برجسته تئاتر و مهرداد رایانی مخصوص، مدیر مجموعه تئاترشهر هم در مراسم ترنابازی شرکت کردند.

سمندریان استاد و پیشکسوت برجسته تئاتر پس از حضور در کافه‌تریای تالار اصلی تئاترشهر به دعوت پژمان کاشفی، حاکم ترنابازی به صحنه فراخوانده شد که این حضور باعث شد سمندریان دقایقی را پیرامون مخاطب تئاتر برای تماشاگران سخنرانی کند. لازم به ذکر است، علی سلیمانی و هدایت هاشمی از بازیگران تئاتر هم در این مراسم به‌عنوان میهمان ویژه شرکت کردند.

## حضور فعال رسانه‌ها

خبرنگاران رسانه‌های مختلف دیداری و شنیداری در طول برگزاری سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آئین و سنتی پوشش خبری مناسبی را از جشنواره داشته‌اند.

در طول برگزاری جشنواره شبکه‌های مختلف تلویزیون از جمله بخش خبری ساعت ۲۰ و برنامه «پرتو» از شبکه چهار سیما، برنامه‌های رادیویی «جمعه‌ها با تئاتر»، «هفت اقلیم» رادیو فرهنگ و بخش‌های مختلف خبری شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی پوشش مناسبی را از روند برگزاری جشنواره داشته‌اند. این در حالی است که نمایندگان خبرگزاری‌های ایرنا، ایسنا، فارس، مهر و میراث فرهنگی و ستاد خبری جشنواره نیز با حضور مستمر و فعالانه خود توانسته‌اند جلوه مناسب و در خور این جشنواره را از طریق سایت‌های اینترنتی و مطبوعات به مردم اطلاع دهند. از همین جا به همه این عزیزان خسته نباشید

## آقای راضی جایتان خالی است

حسین راضی یکی از اعضای هیئت بازبینی جشنواره در بستر بیماری است. ما همکاران نشریه روزانه سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آئینی و سنتی، ضمن آرزوی سلامتی و بهبود این هنرمند، امیدواریم این پیشکسوت تئاتر که سال‌هاست در عرصه‌های مختلف مدیریت. خدمات قابل توجهی را ارائه داده است هرچه زودتر به آغوش خانواده تئاتر بازگردد.


نشریه روزانه سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آئینی و سنتی

- مدیرمسوول: محمدحسین ناصربخت
- سردبیر: علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده
- مدیراجرایی: عباس عبدالعلی‌زاده
- دبیر تحریریه: علیرضا سعیدی
- تحریریه: سعید ابک، هوشنگ امیدی‌نژاد، بهاران بنی‌احمدی، محمود توسلیان، ترانه جامه‌گرمی، نیلوفر رستمی، مریم رضازاده، زهرا شایان‌فر، علی شمس، پیمان شیخی، مهدی عزیزی، عباس غفاری، آزاده کریمی، احمد محمداسماعیلی، مریم نراقی و عظیم موسوی
- با همکاری: آرامه اعتمادی، سمانه برمخشاد
- ترجمه: حسین شاکری، مهدی فروتن
- ویراستار: محمد عبدعلی
- عکس: عباس عبدالعلی زاده، حسن هندی با همکاری مهدی توسلیان
- مدیرداخلی: احمد نرگس‌نژاد
- مدیر هنری: علی رستگار
- نمونه‌خوانی: پری بختیاری، زهره امراللهی
- حروفچینی: فاطمه غریبی
- لیتوگرافی و چاپ: کاما گرافیک
- با سپاس از همراهی: سعید کشن‌فلاح، حمیدرضا اردلان، مجید سرسنگی، داوود فتحعلی‌بیگی، مهرداد رایانی مخصوص، سیدصادق موسوی، مریم معترف، ایوب خانی، جلال تجنگی، علی شیدفر، محمد اطبایی، مجید امرایی و محمدرسول صادقی

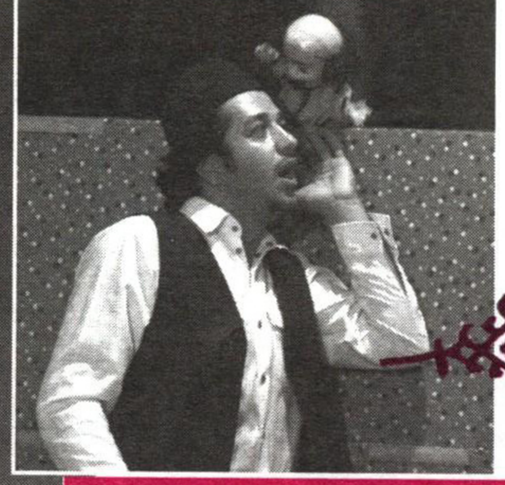

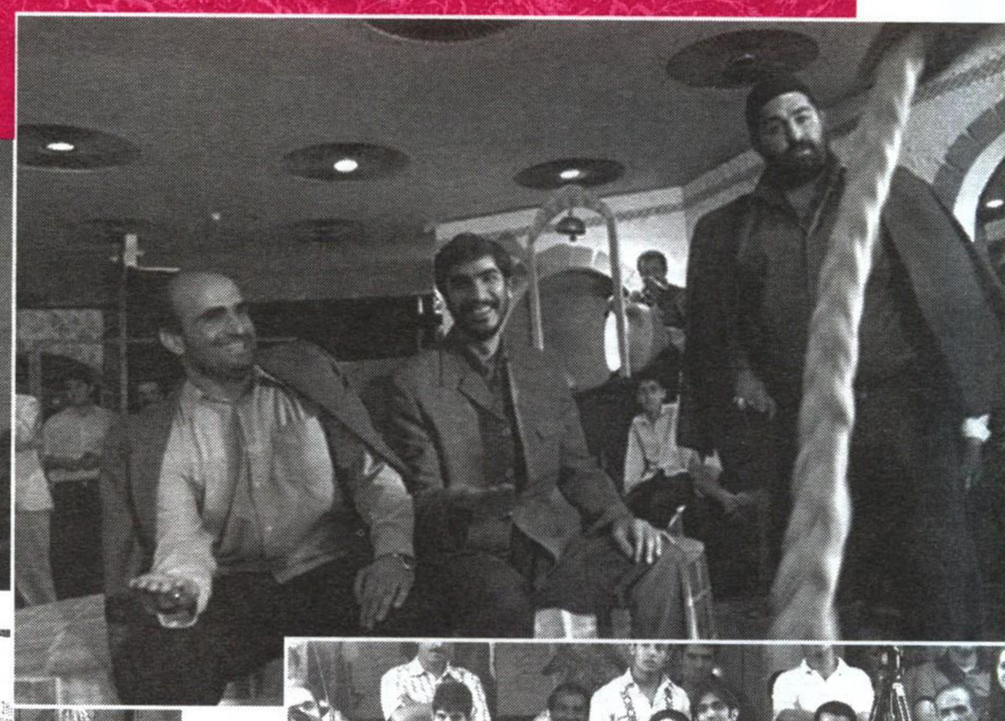

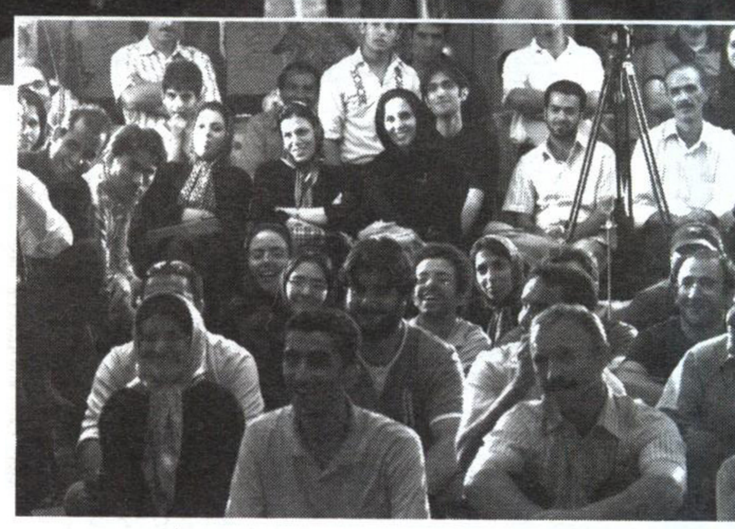

# من کف نزنم تا تو نباشی مطرب

**علی شمس**

عکس یادگاری امروز را میان قهقهه‌های خالص تو قاب می‌کنم. این عکس سفید من. حالا تو هرچه دلت خواست اضافه کن. من حضور تو را بنفش می‌کشم و چشم‌هایت را با عنابی قشنگ می‌کنم. خنده را تعارف می‌زنم که لب پایین‌ات را پهن کند و شادی را اجیر می‌کنم که تمام روز با تو باشد. اینجا را برای تو غبارروده‌اند. باصفا قلم بردار و برای هر جفتمان یک صندلی بکش. اگر خواستی بنویس که راه به راه چای نبات هم باشد و ما بنوشیم. هنوز قاب عکسمان خالیست. هر که را دوست داشتی نام ببر تا من برای تو رنگ بزنم. برویم کافه خانه ببینیم چه خبر است. مثل هر روزش پربار. هرچه بنشینی دم به دم تازه می‌شوی. امروز انگار بیشتر از هر روز دیگری آدم آمده. خصوصا آن‌هایی را که تو می‌شناسی و شاید دوستشان داشته باشی. تعارفشان کن، برای همه‌مان صندلی کشیده‌اند. مثل هر روز نقل ببین و خیمه‌شب‌بازی. این خیمه‌شب‌بازی با امثال خودش فرق دارد. جایگاه بازی بالاست. عروسک‌های نخی نیستند و دستکشی‌ها آمده‌اند. آغازش هم برخلاف سایر کارهای دیگر که تنبک بود و کمانچه، سرنا است انگار و دهل. ترنا هم که مثل همیشه هست. این ترنا بازی می‌گفتند قدیم‌ها در ماه رمضان بازی می‌شده و از بس شیرین بوده تا قبل صلاه صبح ادامه داشته. امروز و اینجا نظیر خوانی هم هست و اگر خوب براق شوی کناره عکس، عاشیقی را می‌بینی که کاسه سازش را تا سینه بالا کشیده و با عصمتی به قاعده تمام تبریزی‌های سبز از عاشیق غریب می‌خواند. از بلبل خوش‌نوایی می‌گوید و از سازی که زخمه‌اش باران است. هرچه آدم سرشناس بیابید، کار و کسب حاکم ترنا دبش‌تر است. امروز احوال ترنا مشت است. حاکم از محمد حسین ناصر بخت، دبیر جشنواره،ریاست تالارها و مشاور اجرایی مرکز بگیر تا دکتر ایمانی و مسافر آستانه و رایانی مخصوص همه را پیش می‌کند. همه می‌آیند. با انگشت‌های به هم تنگیده و رو در هوا تا امیر، ترنا بزند. حاکم نمی‌گذارد جرمشان می‌کند که صفای قدمشان یا صلوات بفرستند یا این‌که به یمن حضورشان چندکلامی صحبت کنند. آخر کار و قبل از اتمام مجلس حمید سمندریان را ببین که در گل عکس ایستاده و با تو گفت‌وگو می‌کند. اگر یادت باشد، گفت: «تئاتر و ذات بقای تئاتر بسته به حضور تماشا کن است.» گفت یک دست صدا ندارد و با یک گل بهار نمی‌شود. وقتی عنصر نمایش کارآمد است که عنصر دومی که باید مخاطبش نامید، او را دریابد و با او باشد. بعد تو جانانه کف‌زدی. شب می‌شود و عکس ماه را در آسمان شیشه تهران شفاف می‌کشی. من هم محض حفظ استیک چندستاره‌ای تو را مهمان کنم که به قاعده خوشه پروین نگاهبان تو باشد. میدان میان محوطه هم مثل هر کجای این جشنواره بزنگاه هستی تست، شبیه‌خوانی را دقیق می‌بینی. از طرز نگاهت پیداست. مجلس شاهزاده حسین اصغر را به مجلس نشسته‌ای. غروب است و آفتاب لمس می‌تابد. نسخه را شبیه پوشان شورانگیز می‌خوانند. کرمانجی هم که از حیث زیبایی و چیرگی کم نمی‌گذارد. می‌ماند پرسه‌های تو در تمام طول عکس. دکتر ایمانی هم مثل تو تمام سالن‌ها را سرک می‌کشد و با تو پرس و گو می‌کند. خوب است، خونی تو! رگی در پوست این ساختمان گرد. لبخند بزن. هرکجا که دیروز شد. در عکس باش و برو ببین صنعان و دختر ترسای روحانی صفت را. ببین پرده‌خوانی و هرچه هنر ناب بومی‌ات را. این عکس از خلوتی درآمده حالا. همه هستند تو در میان این قاب معرق می‌درخشی. لبخند ساده و خالصت کنتراست مشوش تصویر را جلا می‌دهد. داستانی شده‌ایم هر کدام مثل پرده‌های پرده‌داران. بودن هر کدام تو در گوشه‌ای از این قاب چهارگوش داستانی است جانانه که نقل داستانت را به این سهلی و کمی نمی‌توان گفت. اصلا رفیق تو نانویسایی و ناخوانا. تو نابی. این عکس را که حسن ختامش ماه دو هفته است در کادویی شکیل و رنگارنگ می‌پیچم و رویش ارادتمندانه پیشکش به تو می‌نویسم«انکار تو، اصرار بر ندانمی است.»

سجل

غمنامه‌ای بر اسطوره پژوهش در تعزیه

# که قدر مرد به علم است و قدر علم به مال

از زمانی که معزالدوله احمدبن بابویه در بغداد فرمان داد که بازار بسته شود و مردم دهه اول محرم را به تعزیه سیدالشهدا(ع) بنشینند، هفت قرن باید می‌گذشت تا این مراسم سوگواری به مهم‌ترین گونه نمایش مذهبی ایرانیان یعنی تعزیه مبدل شود.

امروز آنچه از تاریخ و چگونگی شکل‌گیری تعزیه به جا مانده اسنادی است که پژوهشگران معاصر از لابه‌لای خطوط سفرنامه‌ها و یادداشت‌هایی جست‌وجو کرده‌اند که سیاحان، سفیران و مستشاران خارجی در سفر به ایران نگاشته‌اند.از جمله این پژوهشگران اندیشمند تعزیه و تعزیه‌خوانی، عنایت‌الله شهیدی است که در روزگاری نه چندان دور روی در نقاب خاک کشید و گنجینه‌ای از دانسته‌ها را با خود برد.وی که با کتاب «پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران» به‌عنوان پژوهشگر برگزیده سال یونسکو انتخاب شد، جایگاه خاصی در حوزه شناخت تعزیه و رابطه آن با موسیقی دارد. این تعزیه پروژه نامی کشور خود از نزدیک با این هنر آشنا بود و بارها پای مجلس استادان آن در دوران اوج تعزیه نشسته بود. استاد علاوه بر شناختی که از تعزیه داشت به سبب آشنایی با ادبیات فارسی و موسیقی ایرانی، توانست اطلاعات جامعی را با نگارش این کتاب به علاقه‌مندان عرضه کند. در کتاب یاد شده. دکتر شهیدی به بررسی اسناد موجود در مورد تعزیه در سفرنامه‌ها و خاطرات و غیره پرداخته و با مقایسه و نقد آن‌ها، تاریخچه نسبتا دقیقی از نحوه شکل‌گیری و گسترش هنر تعزیه تا پایان دوره قاجار ارائه داده است. شهیدی کوشید تا با مقایسه اختلافات موجود میان اسناد مختلف، حقایقی را باز شناسد و با طرح اشکال گوناگون تعزیه‌خوانی و بررسی مکان‌های اجرا، اطلاعات گرانبهای خود را مکتوب کند. استاد همچنین وارد مبحث مجالس تعزیه و دسته‌بندی‌های آن شده و برای نخستین بار، سه دسته‌بندی موضوعی، مضمونی و ساختاری از مجالس تعزیه را ارائه کرده است و بدین ترتیب تنها دسته‌بندی ارائه شده از سوی بهرام بیضایی در کتاب «نمایش در ایران» که با توجه به اطلاعات جدید ناکافی و مغشوش به نظر می‌رسد، را مورد نقد جدی قرار می‌دهد.معرفی فهرستی از مجالس تعزیه و همچنین اجراکنندگان یک مجلس شبیه‌خوانی و حتی توضیح چگونگی رخت و لباس و اسباب تعزیه نیز از نظر استاد شهیدی دور نمانده است.مباحث کلیدی موسیقی و ادبیات تعزیه بحث دیگری است که وی به‌طور مفصل به آن پرداخته است.دو فصل پایانی کتابش را نیز به تاثیر تعزیه در فرهنگ شفاهی و مکتوب و شرح حال تعزیه‌خوانان و تعزیه‌گردانان تهرانی اختصاص داد.

کسانی که با مرحوم شهیدی در زمان حیاتش آشنا بودند و یا در سخنرانی‌های اندک وی در جشنواره نمایش‌های آئینی و سنتی و جلسات پژوهش کانون نمایش‌های آئینی و سنتی حضور داشتند، می‌دانند که یکی از ویژگی‌های جلسات بحث ایشان اهمیت یافتن حاشیه‌ها و حتی گاه تفوق آن‌ها بر متن بحث بود؛ نکته‌ای که نتیجه تسلط بسیار سخنران و محقق بر بحث‌های مطرح شده است. این نکته اتفاقا از ویژگی‌های کتاب «پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی» نیز است، زیرا گاه حاشیه‌های کتاب، پانویس‌ها و یادداشت‌های هر بخش اهمیت فراوانی می‌یابند و بر جذابیت پژوهش می‌افزایند.

به جرات می توان گفت اگر کسانی چون زنده‌یاد عنایتا... شهیدی در این وادی نبودند، تعزیه همچنان در سرگشتگی در مباحث اصلی‌اش می‌ماند و اگر اسناد مکتوب هنرشناسان فرنگی زیر نگاه منتقد و تیزبینی او گردآوری نمی‌شد، شاید هنوز هم به اعتبار و ارزش شناساندن تعزیه پی نبرده بودیم.اما با این همه فضل و دانش به دلیل بی‌توجه‌ای که نسبت به او شد، استاد آخرین روزهای عمرش را سرد و سخت گذراند.

مثل اینکه استاد در واپسین روزهای عمر پربارش برخود مسلم کرده بود که:

«به تجربه معلوم شد مرا در آخر حال
که قدر مرد به علم است و قدر علم به مال»

میدان‌چی‌های امروز

## جواد رادمرد با نمایش «هنر، سنت، حراج»

اقوام مختلف بسته به فرهنگ و محل زندگی خود، مراسم ازدواج و عروسی خاص خود را برگزار می‌کنند از آن جمله، اقوام کردی که در شمال خراسان ساکن‌اند، مراسم و آئین عروسی ویژه خود را به اجرا درمی‌آورند. در این مراسم، داماد نماد یک سلطان است که افراد حاضر در مراسم هدایا و لوازم زندگی و یا کمک هزینه‌هایی را به او تقدیم می‌کنند.

نوع دیگری از آئین‌های این منطقه نار زدن است به این معنی که جوانان، اناری را از دست داماد می‌گیرند تا آنان نیز به آرزویشان برسند.گروه نمایش «هنر، سنت، حراج» با بن‌مایه‌ای از این‌گونه آئینی، داستان دو نفر از هنرمندان آئین‌های سنتی کردهای شمال خراسان را روایت می‌کند که یکی از آن‌ها نسبت به کاری که انجام می‌دهند، انتقاد دارد و همین سبب درگیری میان آن‌ها می‌شود.

شاید اجرای نمایش «هنر، سنت، حراج» تلنگری باشد به ما که این قبیل آئین‌های شادی‌بخش را فراموش کرده‌ایم. عمر آئین‌های عروسی در اقوام کرد خراسان شمالی به سال‌های دور می‌رسد.

جواد رادمرد، کارگردان «نمایش هنر، سنت، حراج»، فعالیت هنری خود را از سال ۶۸ آغاز و به صورت تخصصی و حرفه‌ای از سال ۷۶ نمایش خیابانی را دنبال کرد. او با طرح انتقادهایی نسبت به فراموشی آئین‌ها و مراسمی که ریشه در سنت‌هایمان دارد به‌نوعی ما را به زنده نگه‌داشتن این قبیل آئین‌ها ترغیب می‌کند. رادمرد، تاکنون آثاری چون «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود»، «شهادت‌خوانی شمعون و شهرزاد»، «خط خون» را کارگردانی و به اجرا درآورده است.

## علی روحی با نمایش «میراث سالار»

بخش نمایش‌های میدانی سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آئینی و سنتی میزبان نمایشی با نام «میراث سالار» است که موضوعش به فراموشی سپردن آئین‌ها و سنت‌هاست. «میراث سالار» داستان پدر و پسری را روایت می‌کند که پسر خسته و دلزده از سنت‌ها و گذشته‌ها، از آن دوران روی برگردانیده است. پدر نیز می‌کوشد تا پسر خود را متوجه این امر سازد که گذشته و سنت‌ها را باید حفظ و احیا کرد.چیزی که در نمایش «میراث سالار» به‌عنوان یک ویژگی به حساب می‌آید، اجرای آئین «اسب چوبی» و «آهو بره» است.در آئین اسب چوبی، جنگ میان پلیدی و خوبی یا به عبارتی سیاهی و سپیدی است که در نهایت سپیدی بر سیاهی چیره و پیروز می‌شود. آئین اسب‌چوبی با حرکات موزون و رقص محلی به اجرا درمی‌آید. آئین آهو بره نیز طبق مستندات به جای مانده‌اش اجرا می‌شود. هنگامی که حضرت امام رضا (ع) به خراسان می‌آیند، اهالی به مناسبت ورود ایشان به جشن و پایکوبی می‌پردازند و از آن پس، این جشن به‌عنوان یک آئین میان مردم بومی خراسان مرسوم می‌شود این آئین برای این آهوبره نام گرفته که امام رضا(ع) ضامن آهویی می‌شود. «میراث سالار» با توسل بر این دو آئین، بومی خراسان سعی در احیا و ابقای سنت‌ها دارد. میراث سالار با درا ختیار داشتن افرادی با سابقه و کاملا سنتی که نوازندگی دو تار را انجام می‌دهند، روایت سنت‌ها را با زبان موسیقی برای بیننده دلنشین‌تر و جذاب‌تر می‌کند.شاید نام نمایش خود بیانگر آن است که آئین‌ها و سنت‌هایمان همچون میراثی است که باید حفظ و احیا شوند و سعی در بقای آن داشته باشیم.علی روحی به‌عنوان کارگردان این نمایش، فعالیت خود را از سال ۶۸ آغاز کرده و در ادامه با نویسندگی، کارگردانی و بازیگری آثاری را به روی صحنه برده است. روحی پیش از این در جشنواره‌های مختلف حضور موفقی را پشت‌سر گذاشته است.

چای و نقل

«رستم و سهراب» به روایت فاطمه حبیبی‌زاد

# گردآفرید از رستم می‌گوید

هنر نقالی بیشتر هنری مردانه تلقی می شود اما چند سالی است، شیرزنی از دیار پرگهر ایران راه محافل و مجالس نقل را در پیش گرفته است. فاطمه حبیبی‌زاد که حالا با گذشت نزدیک هشت سال به اسم گردآفرید شناخته می‌شود، ابتدا با حضور در محضر مرشد ترابی ره به حریم نقل و نقالی یافت. او در همان سال‌ها که بیت به بیت شاهنامه و سایر منظومه‌های حماسه و غنایی را در کلاس درس اساتیدش می‌آموخت، نقالی را آغاز کرد. گردآفرید شهر به شهر و روستا به روستا در ایران نقل گفت و در همان مسافرت‌ها نکات بسیاری آموخت.

علاقه او به سفر و اندوختن آئین‌ها و سنت‌ها از وی هنرمندی برجسته ساخته است که هنوز هم سرگشته دیار معرفت است.او در سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آئینی و سنتی در بخش نقالان جوان حضور دارد و به نقل داستان «رستم و سهراب» خواهد پرداخت. اما این نقل با سایر نقل‌ها اندکی تفاوت دارد و این توفیر به دلیل اجرای حکایت‌خوانی قبل از نقل رستم و سهراب است. به این گونه که نقال قبل از نقل، مقدمه یا پیش‌خوانی می‌کند که این پیش‌خوانی ابیاتی است با مایه طنز حکمت‌آمیز، اما ادامه داستان مربوط می‌شود به داستان دلاوری و قدرت و اتکا به نفس رستم‌دستان که در بین چند سیاه محاصره شده است، اما با تدبیر و پهلوانی تا پای جان از عزت و شرف ایرانی دفاع می‌کند.این روزها در عرصه نقل و نقالی این جسارت و جرات در جنس مونث پا گرفته است و به تدریج نسلی از بانوان نقال رشد کرده اند.

گردآفرید ،عاشق فرهنگ و هنر ایرانی است و دوست دارد شاهنامه را آنچنان که در خور شأن حکیم ابوالقاسم فردوسی و فرهنگ ایرانی است، معرفی کند.نقل«رستم و اشکبوس»به‌هنرمندی فاطمه حبیبی‌زاد (گردآفرید) روز شنبه، سوم شهریور ماه ساعت ۱۵ در کافه تریای تئاترشهر اجرا شد.

مطایبات یک نور چشمی

# بادوتا گوش بزرگم، آهسته شنیدم

**به قلم میرزا عظیم خان**

تئاتر نصر: با همه قدمتش مثل جگرخوارهٔ سرکار زلیخا شده بود و با خودم فکر چنین کردم اگه این همه سال‌ها که گذشته داخلش چای و لواشک بهر عرضه به زن و بچه می‌داشتم، لااقل ساختمونش این همه از حس حقارت به خودش راه نمی‌داد. خیلی هم شاکر و ممنون می‌شدش که یکی آبدارچی رو تنها نگذاشته. من خودم با دو تا گوش‌های بزرگم ولی آهسته شنیدم که خود ساختمونه با گریه می‌گفت:

خدایا چرا خرد و تنها شدم
اسیر بسی سوسک شب‌ها شدم
دگر کو تئاتر کمیکی به جا
و یا نقش جدی برای شما
نه یک بچه، بازی کند روی سن
نه دیگر اثر از یکی تخم جن
دگر نام فرهنگ نخواهم برم
فقط آبرو را چنین می‌خرند
چه می‌شد شود مثل مهمانپذیر
و یا خانه پیرمردی فقیر
نشاید که خود را کنم زیر دست
که پایین‌تر از من بسی لانه است
چه بهتر شوم موزه‌ای از تئاتر
نه چون فکر مخفی درون یه کادر
چو فکری شود موزه مرگش بجاست
وگر من شوم موزه سنت رواست
شود زنده سنت که موزه شوم
که این خواب (خوشی) را به پایان برم
جوانان که محتاج سختی شدند
به سان خیار درختی شدند

۲- بولتن جشنواره: چه عجب بولتن ما یاد گرفته که اساسا کار یه بولتن همینه که گزارش به خلایق برسونه، نه که با نقد شتاب خورده بگه کل نمایش مگه چنده؟ تازه ما نقاد کافی نداریم تا هنر سنتی را مثل دوچرخه بشناسه. اینم از بخت نکو پاسخ نقاد مزاحم.

۳- قهوه‌خانه جشنواره: چی شده این همه انسان مخاطب اومده داخل این قهوه‌خونه، خب منم از روی علاقه به طرفداری پررنگ همه چای بنوشم (رندی گفت: نگوید که بقال ماستم کج است)

۴- سالن اصلی تئاترشهر: گفتم که چرا کم بود القصه تماشاگر این سالن زیبا (همان رند بالا چنین گفته است: تماشاگر این سالن زیبا به همه قائده‌اش کامل و کافی‌ست و فقط صندلی‌ها بی‌خود هی‌جم شدن، کشکی اضافه).

۵- نقد و بررسی: گفته یک دوست گرانمایه که نقد و بررسی جاش توی جشنواره و اما خبری، که ندیدیم، نشنیدم، گفتم امسال همه برعکس شده، خب شده یک بررسی و نقد پس از آن، گفت نفهمیدم و البته که بهتر بود این مسئله روبازنمایی، گفتم: اول همه رو بررسی و پشت اونم نقد نمایند، دوباره گفت که نفهمیدم و این مسئله سخته. گفتم ای مرد حسابی تو نفهمی ... گفت حالا فهمیدم و مسئله اینجوری خودش حل می‌شه و کاری نداره.

۶- در خصوص تجربه‌های نو: بعضی‌ها محتوی رو مثل سریش جدی می‌گیرند ولی فرمو می‌ندازن تو سطل آشغال. بعضی‌ها فرمو مثل سریشی به دیوار می‌زنن، محتوی‌رو می‌ندازن به پشت دیوار، و به یاد «داستان‌های آقای کوینر اثر خوب برشت افتادم» خودش می‌گفت که یه روزی کوینر، رفت به سراغ باغبونی که بپرسه هوای تازه همینجا سیری چنده؟ باغبون قیچی‌رو داد دست کوینر، گفتش این درخت غار رو مثل یک کره کچل کن. گفتش البته منم این کار و کردم، با کمی زحمت و قیچی، یه کره ساختمو اما کرهٔ خیلی کوچیک شد، باغبون گفت: «کوینر، کره بودنش درسته ولی اون غار درخت ما کجا رفت.»

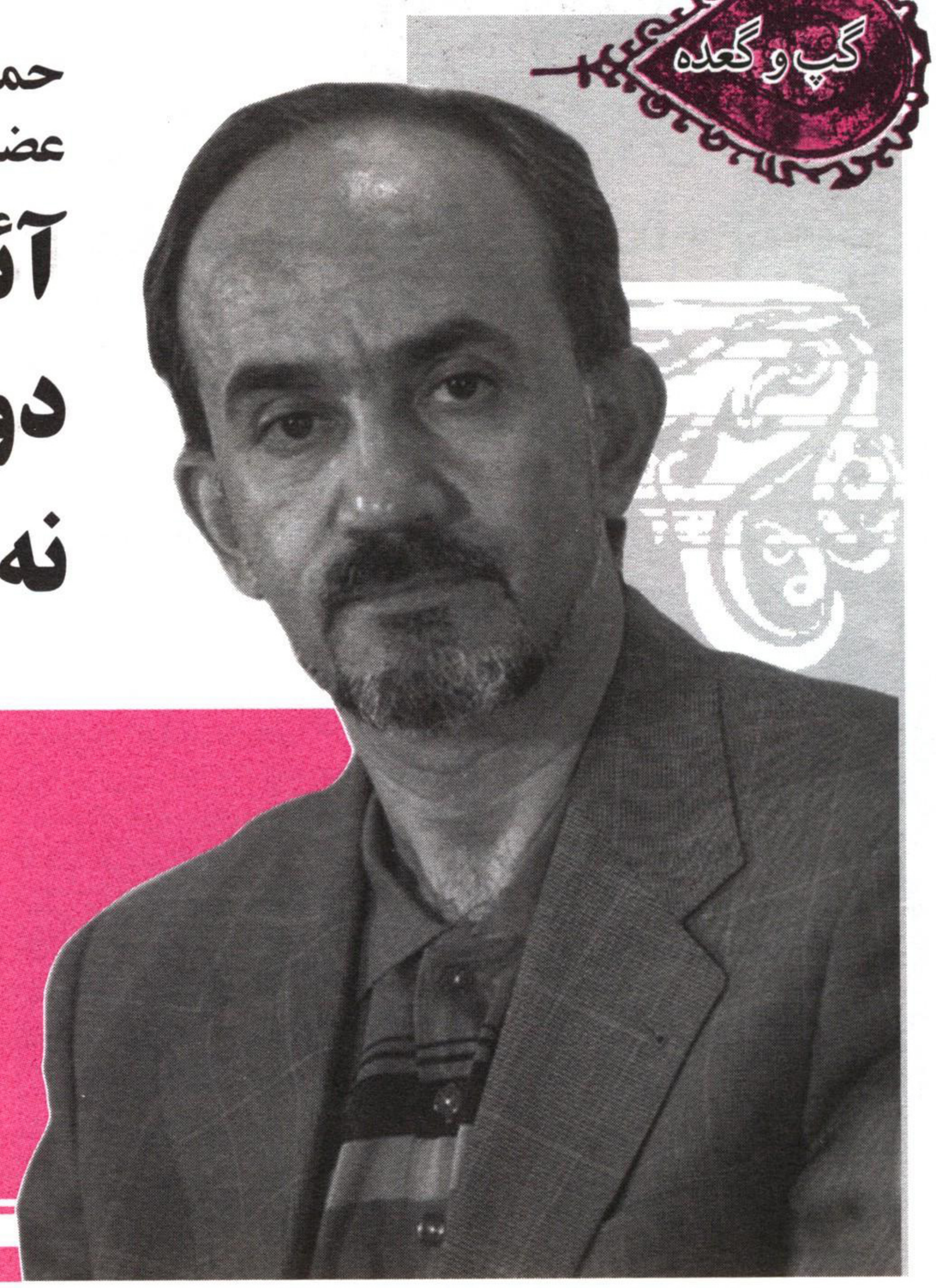

حمیدرضا اردلان
عضو شورای سیاستگذاری:

# آئین‌ها محصول دوره تسلط تولید است نه مصرف

حمیدرضا اردلان ذهنی تحلیلگر و فلسفی دارد با او در خصوص چیستی آئین‌ها و سنت‌ها، برخورد انسان معاصر با آئین‌های امروز و جایگاه نمایش‌های آئینی و سنتی در جوامع به گفت‌وگو نشستیم

**به‌عنوان یکی از اعضای شورای سیاست‌گذاری که مطالعاتی در زمینه آئین‌ها و سنت‌های مختلف دارید، اگر ممکن است کمی راجع به چیستی آئین‌ها و سنت‌ها توضیح دهید.**

چیزی که ما با عنوان آئین و سنت می‌شناسیم، با آن چیزی که قدما یا مردمی که این آئین‌ها را اجرا و تصور می‌کردند، تفاوت دارد. آئین برای ما امری بیرونی است، در حالی که وقوع آئین در درون آدم‌ها بوده است. موضوعی که ما را به نتیجه‌ای سریع می‌رساند،مابه‌ازای دوره‌هایی است که آئین حقیقت دارد یا ذات انسان با آن عجین است، دوره‌ای که مصرف مسلط نیست و تولید حرف اول را می‌زند. آئین‌ها محصول دوره‌هایی‌اند که تولید مسلط و هدف است، نه مصرف. در دوره‌ای که مصرف عمده می‌شود و گرایش تمدن‌ها بیشتر به سوی مصرف است، آئین تبدیل به مفهومی می‌شود که برای هر جامعه یک مابه‌ازا پیدا می‌کند که الزاما تلقی مشترکی را در کل جهان سبب نمی‌شود. این در حالی است که هرچه به گذشته برمی‌گردیم، تمدن‌ها آئین‌های مشترکی را به ما معرفی می‌کنند. مثلا آئین‌باروری در اغلب تمدن‌ها دارای یک معنی مشابه است، یا آئین تمنای باران یا در جاهایی که باران زیاد است و آفتاب کم، آئین تمنای آفتاب در گذشته، نسبت انسان با طبیعت آئین‌هایی را شکل می‌داد که شباهت‌های فراوانی به هم داشتند. بنابراین، پرسش شما را من در دو ساحت جواب می‌دهم. یکی این‌که چیزی که ما با عنوان آئین آن را پیگیری می‌کنیم، شناخت آئین نیست، بلکه پرسش از چیستی آن در دوره معاصر و فراموش نکردن آئین‌های گذشته است. دوم این‌که در نسبت با آئین‌های گذشته، واژه آئین یک صنعت است که توضیح‌دهنده خود آن واقعه نیست. واژه «سنت» نیز همین‌طور است. سنت اشاره به تکرار امری دارد که مورد توافق ذهن جمعی جوامع است. سنت آن چیزی است که مردم دوباره انجام می‌دهند و در انجام دادنش توافق دارند. این به معنی خود آن عمل نیست و چگونگی تکرار را توضیح می‌دهد. واژه آئین کمی جلوتر از سنت است و اشاره‌ای مثبت به سنت دارد. چیزی که آنجا وقوع پیدا می‌کرده، بخش‌هایی از زندگی بوده که یا مربوط به کار مردم یا به اندیشه و فکرشان بوده است. پس ما نمی‌توانیم بگوییم «آئین» در زمانی که در آن دوره و با آن نحوه، تلقی زندگی می‌کردند، وجود داشته است. ما می‌توانیم بگوییم در حال کاریم، ولی کار آدابی داشته است، آن آداب در نسبت با آن عمل یک ماهیت درونی و ذاتی داشته که ما اکنون به آن آداب، «آئین» می‌گوییم. در حالی که آن آداب بخشی از زندگی آن‌ها بوده است، مثل کار کردن، مثل فکر کردن و ذکر گفتن.

**ما مجریان این آئین می‌توانیم خودمان را به امر آئین متذکر کنیم، در زمانی که قادر به انجام دادن آن نیستیم. اقرار به حقیقت یک امر، حتی اگر ما قادر نباشیم در آن حقیقت حضور داشته باشیم، خود یک امید است**

**در دوره‌ای که ما زندگی می‌کنیم، آئین‌ها و سنت‌ها چه جایگاهی نزد عموم دارند و برای پایداری آن‌ها چه باید کرد؟**

اجازه بدهید با آوردن یک مثال پاسختان را بدهم. در دوره‌های باستان، فصل بهار فصل ازدواج بود. پس در یک حوزه زمانی خاص، ازدواج‌ها صورت می‌گرفت. یعنی زمانی که طبیعت بارور می‌شد، انسان ،چنین تصمیمی می‌گرفت. در دوره جدید هدف از ازدواج باروری نیست و بسیاری از مردم، سال‌ها از ازدواجشان می‌گذرد، اما بچه‌ای ندارند. پس ازدواج به مصرف بیشتر نزدیک است تا تولید. ما داوری اخلاقی یا بیولوژیک نمی‌کنیم ولی شما می‌بینید کارکرد آئین‌ها به تناسب رفتارها و تمدن‌ها تغییر کرده است. موضوع دیگر مرگ است ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم در آئین‌های

باستانی مرگ همراه با اندوه بوده است. موضوع آئین‌های مرگ، وحشت از آن نیست بلکه زندگی دوباره است. اما در دوره جدید بسیار تلاش می‌شود که انسان دو ساعت بیشتر زنده بماند. البته منظورم تخطئه علم پزشکی نیست بلکه می‌خواهم بگویم معنی مرگ در آئین‌های باستان با امروز تفاوت داشته است.

**به نظر شما، برخورد انسان معاصر با آئین‌های معاصر چه تأثیری بر زندگی اجتماعی آن‌ها داشته است؟**

کمتر می‌توانم به مجموعه رفتارهای جمعی عصر حاضر، «آئین» اطلاق کنم.

این رفتارها مجموعه‌ای است از مفاهیم. در گذشته، انسان از موجودیت خود خارج و به طبیعت و تفکر و کار و اشیا وصل می‌شد. الان در مفاهیم جشنواره ای ما بیشتر در خودمان فرو می‌رویم. برای مثال، در اغلب جشنوارهای دوره معاصر، جایزه‌ها عامل تمایز و انتزاع‌اند. این در حالی است که در آئین‌های باستان مثلا کشتی پهلوانی به امر قدسی ربط پیدا می‌کرد، اما امروزه فردگرایی منجر می‌شود.

**نقش این جشنواره را در ماندگاری نمایش‌های آئینی و سنتی چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

به نظر من، اتفاقی که در حال رخ دادن است (سیزدهمین جشنواره بین‌المللی آیینی و سنتی) نیاز به آینده‌نگری و مدیریت درازمدت دارد. ما می‌خواهیم کار خوبی بکنیم، اما در زمان کوتاه و با امکاناتی بسیار محدود. بنابراین، درباره این جشنواره نمی‌توانم داوری کنم، بلکه باید به وقوع بپیوندد تا بتوان در مورد تاثیرش سخن گفت.

**خوشبختانه، در سال‌های اخیر برخوردهای مناسبی با نمایش‌های آئینی و سنتی می‌شود. این تعامل‌ها و برخوردها را چگونه می‌بینید؟**

فقدان نسبت با امور حقیقی، نوستالژی اندیشه به نحوه زندگی گذشتگان را لاجرم پیش می‌آورد. چنین اقدام‌هایی به دلیل ظهور این‌گونه نوستالژی‌هاست. نه تنها در کشور ما که از دهه ۴۰ به بعد در اروپا اغلب هنرمندان دچار این نوستالژی بودند. رنسانس خودش توجه به گذشته دارد و در رنسانس اروپا، به‌نوعی بازجست هنر یونان دیده می‌شود. در جامعه ما تمام شعارها و حرف‌ها بر امر هویت و آئین و سنت گواهی می‌دهد، هر چند این‌ها مجازی‌اند و حقیقتی ندارند و جامعه ما دوباره دچار آئین نشده است، اما امیدوارم این نوستالژی مؤثر باشد.

**فرآیند جامعه ما در حیات اجتماعی خود، آئین‌مدار است یا نه؟**

جهان معاصر مفهوم‌گراست. (مفهوم در مقابل معنی) مفاهیم الزاما عینیت‌های خارجی نیستند بلکه می‌توانند انتزاع‌های ذهنی باشند و در حوزه وهم در انسان جاری شوند. تا زمانی که وهم‌اندیشی در جامعه ما نسبت به امور جاری است، امر آئین در انزوا قرار دارد.

**پس شما براساس چه اهدافی عضو شورای سیاست‌گذاری جشنواره نمایش‌های آئینی و سنتی شدید؟**

ما کسانی هستیم که می‌دانیم این امور نجات‌بخش جوامع هستند و می‌دانیم خودمان هم در این آئین‌ها زندگی نمی‌کنیم.

**پس چرا مجری جشنواره‌ای هستید که چنین امری در آن اتفاق می‌افتد؟**

با امید مفهومی به این موضوع نگاه می‌کنم نه با امید آئینی. چون در آئین زندگی نمی‌کنیم که جنس امیدمان آئینی باشد. شاید به دلیل تذکرگرایی باشد. ما مجریان این آئین می‌توانیم خودمان را به امر آئین متذکر کنیم، در زمانی که قادر به انجام دادن آن نیستیم. اقرار به حقیقت یک امر، حتی اگر ما قادر نباشیم در آن حقیقت حضور داشته باشیم، خود یک امید است.

نقل

# مشکلات اقتصادی مانع حرکت پژوهشگر

**امیر کاووس بالازاده**

تاکنون پژوهش جامعی در خصوص نمایش‌های آئینی و سنتی صورت نگرفته است و این مقوله جای کار بسیار دارد. عده کمی به پژوهش در مورد تعزیه پرداخته‌اند، ولی باز هم کاستی وجود دارد و هرچقدر که بیشتر کار شود راه برای تحقیقات جدی‌تر و عمیق‌تر بازمی‌شود.

به نظر من، ارتباط نسل جوان با فرهنگ کهن ایرانی قطع شده است، بنابراین تحقیق و پژوهش در زمینه فرهنگ خودی می‌تواند نسل جوان را برای استفاده از این عناصر در کارهایشان تشویق کند. من به‌عنوان یک معلم تئاتر وقتی می‌بینم جوان‌ها علاقه‌مند به مطالعه درباره شخصیت‌هایی هستند که در زمینه تئاتر جهان فعال بوده‌اند و با عشق و شور روی آثار ایرانی مطالعه می‌کنند، به همه کسانی که در عرصه‌های فرهنگی فعالیت می‌کنند توصیه می‌کنم که تحقیقات خود را به زبانی که برای نسل جوان خوشایند باشد، انجام دهند. مطمئنا این امر تاثیر بسیار زیادی دارد و باعث می‌شود که افراد دست از سطحی‌نگری برداشته، به سراغ عمق مسائل بروند که این خود باعث غنای تئاتر ایران می‌شود.

متاسفانه، عناصر بسیاری در تئاتر ما وجود دارد که از آن‌ها غافل شده‌ایم. برای مثال، چینی‌ها و ژاپنی‌ها در زمینه فرهنگ خودشان بسیار کار کرده و دنیا را تحت تاثیر قرار داده‌اند. آن‌ها به غیر از عناصر تئاتر، در سینما هم با سامورایی‌ها و فرهنگ رزمی چین در دنیا تاثیر گذاشته‌اند و اتفاقا تاثیر مثبتی هم داشته اند. ولی متاسفانه ما هیچ‌گاه از سنت عیاری که نقال‌های ما نیز آن را نقل کرده‌اند به درستی استفاده نکرده‌ایم. در صورتی که آثار ادبی فراوانی چون سمک‌عیار، مختارنامه، تعزیه و ... به ایجاد یک گونه نمایشی خوب کمک می‌کند. اما چون در مورد این آثار پژوهش جامعی انجام نشده، هیچ وقت از آن‌ها به درستی استفاده نکرده‌ایم. البته من خودم می‌کوشم در این زمینه کار کنم.

عده بسیاری از افرادی که در زمینه تعزیه، مثنوی، سیاه‌بازی و ... فعالیت می‌کردند، اکنون دیگر در میان ما نیستند و متاسفانه از صحبت‌های شفاهی آن‌ها بهره‌گیری نشده است. به نظر من، قبل از این‌که این عده افراد از دست بروند باید با آن‌ها صحبت کنیم. از نظر من این همایش باید به چنین اهدافی بپردازد

در آثار آقای بیضایی می‌توان رگه‌های پژوهش در تئاتر ایرانی را دید. اگر کتاب «نمایش در ایران» را خوانده باشید و به آثار بیضایی از این جنبه نگاه کنید، مشاهده می‌کنید که پژوهش سبب کارهایی شده که بیشتر آن‌ها ماندگار هستند. راز ماندگاری این پژوهش‌ها این است که به سمت صحنه و اجرا میل کنند و فقط حالت پژوهشی نداشته باشند تا بتوانند باعث شیفتگی نسل جوان شوند.

اصولا، پژوهش کار راحتی نیست. زندگی شخصی که کار پژوهش می‌کند، باید تامین باشد زیرا مشکلات اقتصادی باعث کمرنگ شدن پژوهش می‌شود. بنابراین، باید موانع اقتصادی سر راه پژوهشگران برداشته شود تا بتوانند کار کنند. در غیر این صورت، پژوهش‌های ما همچنان که در حال حاضر می‌بینیم، سطحی می‌شوند.

زیرا محقق در زمان کوتاهی باید کاری را تحویل دهد و مجبور می‌شود آن را سر هم‌بندی کند. به نظر من، باید راه را با برداشتن موانع اقتصادی و امتیازاتی چون بن کتاب و نیازهای محققان و تامین آرامش هموار کرد. عدم وجود این مسائل باعث کمرنگ شدن کار تحقیقاتی می‌شود.

استنطاق

پژوهشکدهٔ نمایش‌های سنتی را جدی بگیریم

# آینده فرهنگی یک نظام اجتماعی در گرو تامین پژوهش است

جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی که به دلیل نبودن بودجه، با تاخیر چهار ساله برگزار می‌شود، امسال وارد سیزدهمین دوره برگزاری خود شده، تا به تمامی هنردوستان یادآوری کند که میراث فرهنگی کشورمان را که بیانگر هویت ملی‌مان است، تنها به جشنواره‌ها، دوسالانه‌ها، چهارسالانه‌ها و گاهی چندسالانه‌ها محدود نکنیم و با عزمی راسخ به فکر نجات هویت فرهنگی‌مان باشیم. باید چاره‌ای بیندیشیم و راه نجاتی بیابیم تا نسل بعد از ما تعزیه، سیاه بازی و خیمه‌شب‌بازی را که میراث هنری ایرانیان است و ریشه در فرهنگ اصیل ما دارد، فراموش نکنند. عوامل متعددی می‌تواند در حفظ و احیای نمایش‌های آیینی و سنتی مؤثر باشد که ساخت پژوهشکده و رونق بخشیدن به پژوهش در حیطه نمایش‌های آیینی و سنتی یکی از این راه‌هاست.

محمود استاد محمد معتقد است:«کشورهایی که یک سیستم صحیح آکادمی در زمینه علوم نظری دارند، درصد بالایی از بودجه‌های علمی را برای پژوهش در نظر می‌گیرند، زیرا بر این باورند که پایه علوم نظری پژوهش است و هنر هم نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد. اما در کشور ما متاسفانه مانند دیگر پدیده‌ها هرجا که دولت متولی یک سازمان پژوهشی است، سازمان مربوطه در چرخ‌دنده‌های موازین دولتی نتوانسته مثبت عمل کند. دیگر این‌که بخش عمده پژوهش‌های ما انفرادی صورت گرفته است و در این موارد هم دولت به جای این‌که از پژوهش‌های علمی و دقیق استفاده و در انتشار آن‌ها کمک کند، معکوس عمل می‌کند.» وی می‌افزاید:«پژوهش به خصوص در تئاتر ایران نقش بسیار مهمی دارد اما متاسفانه تاکنون تلاش جدی در این زمینه صورت نگرفته است.»

ما حتی ادوار تئاتری‌مان را در همین عمر صدواند که از حیاتش می‌گذرد دسته‌بندی نکرده‌ایم و هیچ پژوهش و آماری در مورد آن نداریم. در مورد گونه‌ای مانند سخنوری در تئاتر تاکنون هیچ پژوهشی نداشتیم. اگر در این زمینه پژوهش‌های لازم انجام شود، ما می‌توانیم پایه نمایش‌های سنتی کشورمان را کشف کنیم. پایه نمایش‌های سنتی ما به سخنوری می‌رسد و سخنوری در آن نقش بزرگی دارد که تاکنون هیچ تلاشی برای حفظ آن نشده است.»

بهروز غریب‌پور اساس رشد یک جامعه را نه تنها در بخش فرهنگ بلکه در تمام امور براساس پژوهش و شناخت ریشه‌ای آن عنوان می‌کند و معتقد است:« آینده فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی یک نظام در گرو تامین پژوهش در کشور است. »

غریب‌پور بر این نکته نیز تاکید می‌کند که وقتی رشد آکادمیک برای انجام پژوهش وجود نداشت، بسیاری از دانشمندان به صورت انفرادی تلاشی می کردند تا از یک واقعه مهم گزارشی برای آیندگان تهیه کنند. طبیعی است که امروز با توجه به اهمیت موضوع باید به این مسئله توجه بیشتری شود، زیرا عمده پژوهش‌های تبدیل شده به رساله‌های دانشجویی و تمام این‌ها انباشته می‌شوند بدون این‌که وارد بازار فرهنگی کشور شوند و تاثیری را بگذارند. این کارها تنها برای نمره گرفتن و کسب امتیاز فارغ‌التحصیلی است. در مورد نمایش‌های آیینی و سنتی ما نیازمند یک پژوهشکده فعال هستیم، شعاری که همیشه آن را زمزمه کرده‌ایم، اما هرگز به آن عمل نکردیم. »

حسین کیانی هم پژوهش در نمایش‌های آیینی و سنتی را یکی از بال‌های پیش برنده این نمایش می‌داند و بر تاثیر آن در تداوم و گسترش این گونه نمایش تاکید می‌کند.

به گفته کیانی بهتر است برای هرگونه نمایشی یک پژوهشکده، پژوهشگاه یا حداقل یک دفتر پژوهشی شکل بگیرد، اما این صحبت‌ها اصولا در مرحله حرف و پیشنهاد باقی می‌ماند.

وی معتقد است:«اگر پژوهشی هم انجام می‌شود، بسته به ذوق و علاقه شخصی و انفرادی پژوهشگر است این در حالی است که اراده و عزم راسخی برای رونق بخشیدن به پژوهش در حیطه نمایش آیینی و سنتی وجود ندارد و اگر هم اتفاقی در این زمینه می‌افتد، بسیار کوتاه و مقطعی است و تلاش چشمگیری برای بقای این گونه نمایش که تقریبا شکل سنتی آن از بین رفته، نمی‌شود. این در حالی است که در دیگر کشورهای شرق آسیا مانند هند، چین و ژاپن به صورت موزه‌ای نمایش‌های سنتی‌شان را حفظ کرده‌اند و از آن بهره می‌گیرند.

از بلاد فرنگ

**«داستان لورد آپایا»**
**به کارگردانی سواکارسیتا لاکشمی ازهند**

# یک میراث اجدادی

**حسین شاکری**

«داستان لورد آپایا» به کارگردانی سواکارسیتا لاکشمی نمایشی است از کشور هند که در جشنواره آئینی و سنتی امسال حضور دارد. فعالیت هنرهای نمایشی در هند به صورت خانوادگی آموزش داده می شود و اجرا می گردد. سیتا لاکشمی نیز این هنر را از اجداد خود به ارث برده است .

به بهانه حضور او و گروهش در ایران نگاهی داریم به نام‌ها و شیوه‌های نمایش‌های سنتی در هند و این نمایش.

«کودیاتام»: یکی از کهن‌ترین سنت‌های نمایشی زنده هند است که برای اجرا از نمایش‌نامه‌های زنده بهره می‌برد. «کودیاتام» از واژه «کوتامبالام» به معنای «تالار سخنرانی»، جزء لاینفک از معبدی در «کرالا»، آمده است. نمایش «کودیاتام» توسط جامعه «چاکیار» راه‌اندازی و توسعه پیدا کرده است، از همین رو به نام «چاکیار کووتو» نیز شناخته می‌شود. در این نوع نمایش، هم زن و هم مرد می‌توانند بازی کنند و به‌طور معمول نمایش‌های کلاسیک سانسکریتی توسط آن ها به صحنه می‌روند. صحنه نمایش در «کودیاتام» با جزییات بسیار بالا و به سبک و روش خاصی ساخته می‌شود. بازیگران در این شیوه سنتی تئاتر هند، لباس‌هایی نیمه واقع‌گرا بر تن می‌کنند و حرکت‌های آنان نیز به‌طور خاص و ویژه طراحی می‌شود. موسیقی نمایش توسط ارکستری با آلات نوعی سنتور، نوعی ساز هندی به نام «ایداکایی» و گونه‌ای ویژه ازطبل به نام «میلاوو» نواخته می‌شود. به‌طور معمول «نانگیار»ها که نقش زنان را بازی می کنند آواز می خوانند." نامبیار" ها یا مردان نیز مویسقی می نوازند. زبان نمایش از سانسکریت به نام «پارکیت» و سپس به «مالایی» کلاسیک تغییر می‌کند. کلمات به کار رفته در این نمایش‌ها بسیار شبیه سرودهای موجود در «ودا»ها (کتاب مقدس هندوها) و آوازها برگرفته از برخی «رگا»ها (سرودهای مقدس هندوها) است. قدمت «کودیاتام» به قرن دهم میلادی برمی‌گردد. گفته می‌شود سلطانی به نام «کولاسخارا وارما» این شیوه را ابداع کرده و نمایش‌های سانسکریت را برای اجراهای آن برگزید.

«کریشناناتام»: نمایشی است بر مبنای آئین‌های فکری «کریشنا» یا «باگاواتا» است که ظاهرا توسط سلطان «ماناودا ساموودیری» طی قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی ابداع شده است. در آن زمان اندیشمندان، شعرا و کاهنان پیشکسوت داستان «کریشنا» (یکی از الهه –خدایان آئین هندو) را از ابتدای تولد کامل کرده و آن را به هشت قسمت در شکلی نمایشی تقسیم کردند. تمامی این نمایش و شعرهای آن به شعرهایی در ستایش «کریشنا» که توسط سلطان «مارنادوا» سروده شده وابسته است. امروزه این شکل نمایشی سنتی هند در معبد «گوروویور» اجرا می‌شود.در «کریشناتام» نیز ارکستری با سازهای محلی موسیقی را می‌نوازد و حرکات بازیگران به دقت طراحی شده است، هرچند این حرکات بسیار ساده بوده و از حرکات نمایش «کودیاتام» بهره برده است.

**درباره نمایش:**

«داستان لرد آپاپا» داستان «ماهیسی»، دختری شیطانی است که طلب بخشایش می‌کند و از «براهما» (یکی از خدایان هندو) می‌خواهد تا مرگ او را به تولد پسری از «ویشنو» (دیگر خدای هندو) و «شیوا» (یکی دیگر از خدایان هندو) منوط کند. «براهما» با بخشایش او درخواست او را عملی می‌کند، «ماهاسی» اقدام به شکنجه «دیو»ها (دیوها در سانسکریت و اوستا) می‌کند. ناتوان از فرار و با تحت فشار قرار گرفتن شیاطین توسط «ماهاسی» دیوها دست کمک به سوی «شیوا» دراز می‌کنند. «شیوا» به آن‌ها اطمینان می‌دهد که پسری از او و «ویشنو» در ساحل رودخانه «پامپا» متولد خواهد شد و او «ماساهی» را نابود خواهد کرد.

در این میان یکی از خدایان شیطانی به نام «باسماسوران» در جست‌وجوی پیشگویی «شیوا» ساحل رودخانه را می‌کاود؛ «شیوا» در پاسخ به جست‌وجوی او می‌گوید: «او از معدود کسانی است که من دست راست خود را بر سر ش می‌گذارم و از خاکستر برمی‌خیزد.» با توجه به این «باسماسوران» برای تاثیر خواسته خود از «شیوا» برمی‌آید اما «شیوا» پنهان می‌شود و از خواسته شیطانی او می‌گریزد.

«ویشنو» در جامه خدمتکاری زیبا به نام «موهینی» ظاهر می‌شود. «باسامایوران» تحت تاثیر زیبایی او فراموش می‌کند که دست‌اش را در جای درست بگذارد و تبدیل به خاکستر می‌شود.

«ویشنو» تحت تاثیر «ماهینی»، «شیوا» را در همان ساحل ملاقات می‌کند. پسری زیبا به دنیا می‌آید اما آنان از هم جدا شده و پسر را تنها می‌گذارند.

سلطان کشور «پاندالا» به‌طور اتفاقی به آنجا می‌آید هرچند به او توجه چندانی نمی‌کند. شیوا در شمایل مرد پیری ظاهر می‌شود و پسر را به پادشاه می‌سپارد و از او می‌خواهد که همچون پسر خود از او مواظبت کند. مهر پسر بر دل سلطان می‌نشیند و او را مثل اشراف‌زاده‌ای بزرگ می‌کند و نام او را تحت تاثیر مسیحیت «مانیکانتان» می گذارد. «مانیکانتان» تمامی تعلیمات لازم را می بیند در حالی که ملکه پسر دیگری را به دنیا می آوردبه نام " راجاراجان"ملکه به او دل می بندد و از «مانیکانتان» متنفر می شود. اما سلطان تلاش می کند «مانیکانتان» را جانشین خود کند اما علی رغم میل سلطان موضوع را به ملکه گزارش می‌دهد. بنابراین ملکه طرحی شیطانی می‌ریزد و به سلطان می‌گوید که دچار سردردی حاد شده است و دکترها تشخیص می‌دهند که او برای مداوا نیازمند شیر ببر است.

**دیگر گونه های نمایش در هند**

«کاتاکالی»: از نظر لغوی کاتاکالی به معنای داستان‌گویی از طریق حرکت است و شاخه‌ای از شیوه «کریشناتام» محسوب می‌شود.

کاتاکالی الهام گرفته از «کریشناناتام» توسط شخصی به نام «راماناتام» در قرن هفدهم پایه‌گذاری شد و پس از آن به شکل امروزین درآمد. سه مکتب در «کاتاکالی» وجود دارد که کاتاکالی جنوبی، کاتاکالی شمالی و کاتاکالی وتاتو هستند؛ هرچند تفاوت‌های آن‌ها بسیار اندک است.

«یاکشاگانا»: این نمایش شکلی گسترده از نمایش‌های جنوب هند، جایی که شکل‌های متفاوتی از نمایش‌های سنتی به وجود آمده و اجرا می‌شود، به شمار می‌رود؛ هرچند در میان تمامی آن‌ها تنها «یاکشاگانا»ی سواحلی بیش از بقیه اشکال مورد توجه قرار دارد و دیگر اشکال بیشتر حالت پیش‌درآمد و پس درآمد دارند. مشاهدات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که این شکل نمایشی سابقه‌ای طولانی دارد و به قرن نهم میلادی برمی‌گردد. هرچند تاریخ قابل اتکا پیدایش این شیوه به دوران حکومت «ویجایاناگار» در قرن ۱۴ میلادی بازمی‌گردد. تمامی مکاتب شیوه «یاکشاگانا» دارای متنی یکسان هستند و تنها در اجرا تفاوت‌ها ناشی از فرهنگ‌های محلی است. طراحی لباس در این نمایش‌ها با وجود مشابهت‌های بسیار، از اجرایی به اجرای دیگر تفاوت دارد. این مسئله حتی در نوع موسیقی و تکنیک‌های صحنه‌ای به چشم می‌خورد با این وجود در حرکات موزون نمایش تفاوت‌های بسیار کمی دیده می‌شود.

### «آخ اگه بارون بزنه»
### به کارگردانی هادی عامل

# باید بدویم

وارد سالن تمرین که می‌شوی همه دارند حرف می‌زنند، چای می‌خورند و آماده آغاز تمرین می‌شوند. هدایت هاشمی اولین بازیگری است که تمرینش را آغاز می‌کند. او یک صحنه پانتومیم دارد اما پانتومیمی که یک (سیاه) آن را باید اجرا کند. او در این نمایش نجیب‌زاده‌ای است که فرار کرده و در نقش «سیاه» چند سالی است در یک روستا سر می‌کند.او خود را یک «سیاه» جا زده است.

هادی عامل می‌گوید: «باید زودتر بجنبیم! باید بدویم وقت نداریم.» همه آماده می‌شوند و سعی می‌کنند سریع‌تر نقش‌هایشان را درآورند و عامل با جنب و جوش و هیجان مخصوص خودش همه را به بالاتر بردن سطح انرژی‌شان تشویق می‌کند. هدایت این همه بازیگر سخت است، اما کارگردان آن قدر صبور است که همه چیز را می‌تواند مدیریت کند؛ حتی وقتی بازیگری اشتباه می‌کند، کات می‌دهد و مدت‌ها با او حرف می‌زند تا نقش را بهتر دربیاورد.

بقیه بازیگران و عوامل سرگرم کارهای خودشان هستند. نویسنده هم نشسته است و هر از گاهی درباره متن نظر می‌دهد و نکاتی را که در تحلیل متن وجود دارد، می‌گوید.

متن به اندازه کافی این امکان را می‌دهد که هادی عامل روی قاعده داستانش را پیش ببرد. او می‌گوید: «متن قاعده‌مند بود و قصه ساختاری محکم داشت. حتی ساختار آن شبیه ساختارهای کلاسیک بود. برای همین تصمیم گرفتم این متن را حتما کار کنم.»

فضای داستان که در یک پاسگاه در شهری دور و در زمان رضاشاه اتفاق می‌افتد نمی‌تواند بی‌تاثیر باشد. برای کارگردان، ایرانی بودن این متن اهمیت زیادی داشته است. او پیش‌تر نیز در جشنواره آیینی و سنتی نمایش‌هایی را آماده کرده بود که همه آدابته شده بودند و تجربه متن ایرانی برای او بسیار جذاب است.

عامل می‌افزاید: «فخرالدین خاک زند را خیلی سال است که می‌شناسم و با هم کار می‌کنیم، او خیلی خوب می‌نویسد و قطعا آینده خوبی در نوشتن پیش‌روی اوست.»

بازیگران نمایش «آخ اگه بارون بزنه» به تمرین بیشتر فکر می‌کنند، همه بازیگران معتقدند که به اندازه کافی وقت نداشتند تا روی نقش‌هایشان کار کنند و می‌توانستند با وقت و برنامه‌ریزی بهتر نمایش شسته و رفته‌تری را ارائه دهند.

هادی عامل می‌گوید: «وقتی تعداد بازیگرها زیاد می‌شود، شیوه کارگردانی هم متفاوت و زمانی که باید صرف تک‌تک افراد شود کمتر می‌شود.»

نمایشی با این همه موقعیت طنز و تعدد نقش، قطعا به روابط شسته و رفته هم نیاز دارد. بنابراین، او می‌افزاید: «من در این نمایش روی روابط شخصیت‌ها خیلی کار کردم و همه تلاشم این بود که این روابط درست از آب دربیاید. بچه‌ها آزادانه اتود زدند و برای نقشی که مناسبشان بود انتخاب شدند.»

هادی عامل که با حضور پیاپی‌اش در این جشنواره دغدغه همیشگی‌اش به آئین و سنت‌ها را نشان داده است، درباره لزوم چنین جشنواره‌هایی چنین می‌گوید: «دوست داشتم این جشنواره که بسیار هم مهم است، با تعداد گروه‌های بیشتری برگزار می‌شد چون جای خیلی از پیشکسوت‌های این نوع نمایش خالی است.

بسیاری از شیوه‌های نمایشی سنتی ما در حال زوال است و ما با شایسته برگزار کردن این جشنواره‌ها می‌توانیم آن‌ها را حفظ کنیم.»

### «خواب تو خواب» به نویسندگی شهناز روستایی

# نمایش اپرای ایرانی

**شهناز روستایی، کارشناس تئاتر از شهرستان کرج، با نمایش «خواب تو خواب»، به‌عنوان اولین کار حرفه‌ای، در سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آئینی و سنتی در بخش صحنه‌ای حضور دارد. وی نمایش خود را براساس نمایش‌های شادی‌آور و تقلید زنانه نوشته و به صورت گروهی و با همفکری بازیگرانش کارگردانی کرده است. «خواب تو خواب» در هفت اپیزود نمایشی شاد و مفرح با همراهی موسیقی زنده در دومین روز جشنواره در خانه نمایش به صحنه رفت.**

**نمایش «خواب تو خواب» براساس کدامیک از واقعیت‌های تاریخی و یا حتی سنتی ما شکل گرفته است؟**

از آنجا که در روزگاری نه چندان دور، به خصوص اوایل قرن حاضر، در کشورمان نمایش‌های شادی‌آور زنانه وجود داشت، همین امر انگیزه نوشتن چنین نمایش‌نامه‌ای شد، بنابراین، با راهنمایی استاد فتحعلی بیگی داستان نمایش «خواب تو خواب» را در ابتدا برای ارائه پایان‌نامه تحصیلی‌ام انتخاب کردم و در ادامه آن را براساس منابعی چون «هفت اورنگ» جامی، «زلیخانامه» داوود فتحعلی‌بیگی، «یوسف و زلیخا» پری صابری و ... نوشته، به مرحله حاضر رساندم.

**در اجرای نمایش به ساختار اصلی نمایش‌های شادی‌آور زنانه وفادار بوده‌اید؟**

سعی کردم برای ایجاد فضای مفرح آن چنانکه در نمایش‌های سنتی شادی‌آور باب بوده است، تصنیف‌های قدیمی ایرانی را با بازی‌های شادی‌آور تلفیق کنم. البته تا آنجایی که متن و شرایط اجازه داده، ساختار کارهای تقلید زنانه را در فضایی ملموس و آهنگین و ریتمیک به کار گرفتم. به طوری که نمایش فعلی به‌نوعی شبیه یک اپرای ایرانی شده است.

**با توجه به این‌که معمولا نمایش‌های شادی‌آور زنانه صرفا برای ایجاد فضایی شاد تنظیم و اجرا شده‌اند، نظرتان در مورد استقبال مخاطبان چیست، کما این‌که مخاطب شما محدود به زنان است؟**

جذابیت کار در همین شیوه اجرایی است. ما وظیفه داریم ساختار این نمایش سنتی را حفظ کنیم. هدف زنده نگه داشتن یک سنت نمایشی است، نمایشی که در زندگی امروز جایی برای ارائه ندارد، در حالی که پیشینه تاریخی آن در فرهنگ کشورمان حکایت از شکوفایی در برهه‌ای از زمان دارد.

**نقش مخاطب در اجرای نمایش «خواب تو خواب» چیست؟**

موقعیت‌هایی برای تماشاگر فراهم شده است، به خصوص به هنگام تصنیف‌خوانی‌ها و اجرای موسیقی که خواه‌ناخواه تماشاگران با بازیگران همراه و همدم می‌شوند و در نمایش شرکت می‌کنند.

«مبارک و خاتون پرده‌نشین»
به کارگردانی داوود فتحعلی‌بیگی

# امیدوارم اجرای عمومی داشته باشیم

سال‌هاست که علاقه‌اش معطوف به تئاترهای سنتی است. در دانشکده هم همین واحد را تدریس می‌کند و حالا بعد از گذشت زمان و اجرای نمایش‌های زیادی در این حیطه، در سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی در مقام استاد و پیشکسوت شرکت کرده است.«مبارک و خاتون پرده‌نشین» براساس یکی از قصه‌های «الهی‌نامه» عطار نیشابوری تنظیم شده است و قصه زنی را روایت می‌کند که به خاطر حفظ پاکدامنی‌اش به درجه‌ای می‌رسد که تمامی دعاهایش به درگاه پروردگار پذیرفته می‌شود.

در این نمایش، فتحعلی‌بیگی و مهرپویان به همراه غلام بابوته، زری اماد، داوود داداشی، مجید فروغی، امیرحسین ترابی، شاهین علائی‌نژاد، ملیحه فروغی، آزاده حسینی و رهام عسگرپور بازی می‌کنند. طراح صحنه و لباس نمایش نیز ساسان مهرپویان است.

داوود فتحعلی‌بیگی درباره اجرایش می‌گوید: «این نمایش کاملا به شیوه «تخت‌حوضی» است، اما ما در حد لزوم صحنه عناصری هم به آن اضافه کردیم. وقتی نمایش تخت‌حوضی در صحنه اجرا می‌شود، بخشی از میزانسن‌ها هم تغییر می‌کند و بازیگران برعکس آنکه روی تخت حوض چهار سویه بازی می‌کنند، یک سویه به اجرا می‌روند. به‌هرحال،

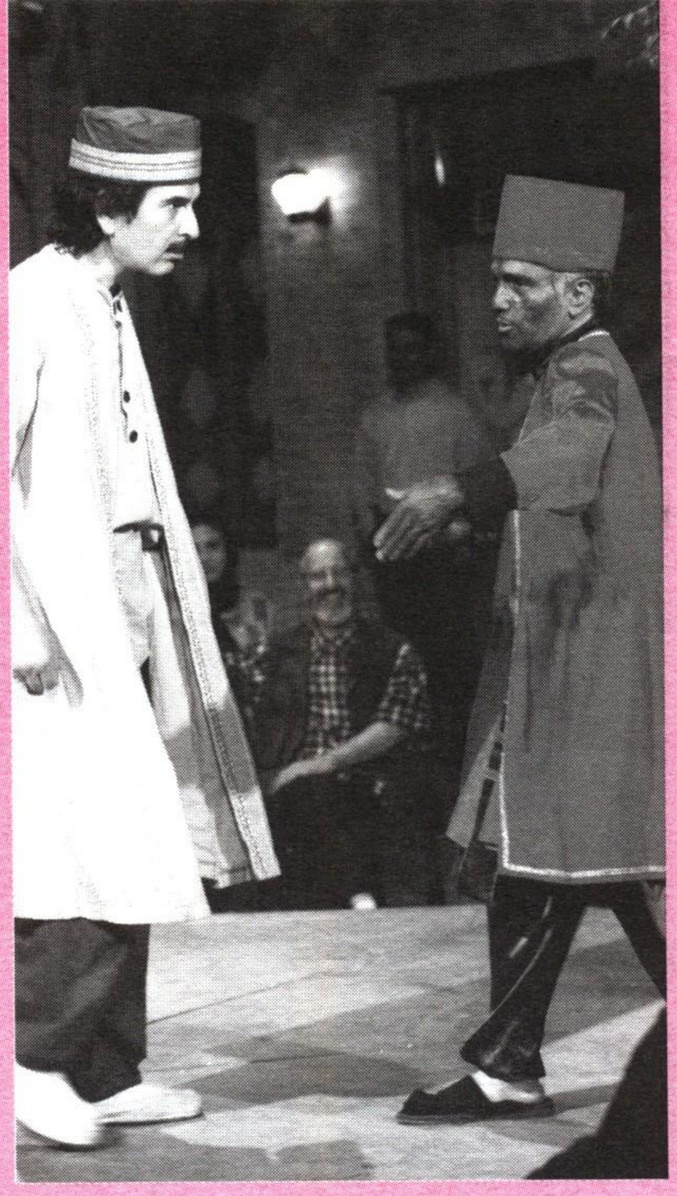

نمایش‌های تخت‌حوضی از آنجا که تماشاگران دور تا دور و به فاصله اندکی از بازیگران می‌نشستند دارای شیوه‌ای خاص بود که در اجرای صحنه ای از این شیرینی و جذابیت کاسته می‌شود.»

وی درباره زمان نگارش نمایش‌نامه نیز می‌گوید: «این متن را تقریبا چهار سال پیش برای دوازدهمین جشنواره آیینی و سنتی نوشتم که ساسان مهرپویان کارگردانش بود و با وجود این‌که کار او خوب بود،اما دچار بی‌مهری شد و به اجرای جشنواره راه نیافت. به نظرم دلیل رد شدن کار این بود که فقط یک کارگردان از یک گروه می‌توانست کاری را به اجرا ببرد و آن موقع من هم یک کار داشتم و بنابراین می‌گفتند دو کار از یک گروه نمی‌شود در جشنواره حضور داشته باشد. با این حال، «زن پارسا» توسط مهرپویان در جشنواره تئاتر ما، به اجرا رفت و توانست جایزه‌هایی را برای سه بازیگرش به ارمغان بیاورد. امسال، من این متن را دوباره پیشنهاد دادم که پذیرفته شد و حالا با کمی تغییرات از دیدگاه من به اجرا می‌رود.

این کارگردان درباره برگزاری جشنواره امسال می‌گوید: «متاسفانه، به دلیل کمبود وقت تمرین، بسیاری از گروه‌ها نتوانستند در زمان اعلام شده کارشان را آماده کنند و به همین دلیل آن‌ها در جشنواره غایب‌اند. به نظرم، اگر این گروه‌ها می‌توانستند راه یابند از لحاظ کیفی جشنواره امسال غنی‌تر از جشنواره قبلی می‌شد. اما در جشنواره امسال هم یکی، دو اتفاق خوب رخ داده است از جمله این‌که بخش تعزیه بسیار گسترده‌تر برگزار می‌شود و همچنین سمینار بین‌المللی تئاتر آیینی و سنتی در سه روز قبل از شروع جشنواره برگزار می‌شود که پیش درآمدی بر جشنواره امسال به حساب می‌آید.

کارگردان «مبارک و خاتون پرده‌نشین» اجرای عمومی و در طول سال را برای نمایش‌های سنتی لازم می‌داند و می‌گوید: «باید شرایط اجرای عمومی برای این‌گونه کارها فراهم بیاید. ساسان مهرپویان و چند نفر دیگر متقاضی اجرای عمومی نمایش‌هایشان بودند، اما هنوز هیچ جوابی داده نشده است. البته تا آنجا که من اطلاع پیدا کردم خوشبختانه امسال قرار است تمام گروه‌های شرکت‌کننده در جشنواره به اضافه گروه‌های خوبی که نتوانستند به دلیل کمبود وقت به جشنواره امسال راه یابند در طول سال اجرای عمومی داشته باشند. یعنی امیدوارم این گفته درست از آب دربیاید و همگی اجرای عمومی داشته باشند.»

«آتامرگان»
به کارگردانی محمد الهی

# وقتی هزار شکار را زده باشی

**«آتامرگان» نمایشی است آئینی از شهر مشهد که محمد الهی که طی این سال‌ها بیشتر در حوزه تلویزیون و سینما فعال بود، کارگردانی آن را برعهده دارد.**

**آتا مرگان به چه معنی است و از دل کدام یک از آئین‌های شهر مشهد برمی‌آید؟**

آتا مرگان به معنای پدر شکار و لقب کسی است که هزار شکار را به زمین زده است.

**آیا رسم شکار به صورت آئینی در این شهر انجام می‌شود؟**

این سنت در شمال خراسان و در شهر قوچان مرسوم است. به صورتی که رسم بوده، شکارچیان باید هزار شکار را به زمین بزنند تا به لقب «آتا مرگان» ملقب شوند آن‌ها بعد از آن تفنگ خود را دفن می‌کنند و دیگر دست به شکار هیچ حیوان حلال گوشتی نمی‌زنند.

**چرا؟**

اعتقاد مردم قدیم بر این بوده که اگر فردی بعد از هزارمین شکار خود حیوان حلال گوشتی را شکار کند، مرگ و گرسنگی بر سرزمین او حاکم می‌شود؛ هرچند این اتفاق به راحتی برای هر شکارچی رخ نمی‌دهد و شکار هزار حیوان تنها برای تعداد اندکی از شکارچیان امکان‌پذیر بوده است.

**این آئین قدیمی به چه شکلی در نمایش «آتا مرگان» مورد استفاده قرار گرفته است؟**

در این نمایش، داستان یک جوان شکارچی روایت می‌شود که از ۲۰ سالگی شکار را آغاز کرده و عهد بسته است تا به لقب آتا مرگان ملقب نشود، ازدواج نکند. از طرفی، او دل در گرو عشق دختری دارد که اجازه همکلامی با او را ندارد. در جریان داستان، ماجراهای مختلفی برای این افراد رخ می‌دهد که در خلال آن، آئین آتامرگان نیز به صورت کامل معرفی و به تصویر کشیده می‌شود.

**این آئین هنوز هم در خراسان شمالی و شهر قوچان اجرا می‌شود؟**

متاسفانه، با وجود نشانه‌های اندکی که از شاخ‌های شکار در این شهر باقی مانده است، این آئین به‌طور کامل به دست فراموشی سپرده شده است و تنها چیزی که از آن باقی مانده یک قطعه موسیقی است که توسط «بخشی‌ها» که دو تارنوازند، اجرا می‌شود و در خلال آن، داستان این شکارها تعریف می‌شود.

**شما هم از این قطعه موسیقی استفاده کرده‌اید؟**

بله، راوی اصلی این نمایش دوتارنوازی است که با ساز خود داستان این پسر جوان را که سودای آتا مرگان شدن در سر دارد، روایت می‌کند.

«پادشاهی کیکاووس و لشگرکشی به مازندران» به روایت اکبر دباغیان

## پرده‌برداری نقالان از تاریخ کهن

اکبر دباغیان، متولد ۱۳۲۹ شهرستان اصفهان، از دیگر پیشکسوتان هنر نقالی و پرده‌خوانی است که در سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آئینی و سنتی، داستان پادشاهی کیکاووس و لشکرکشی به مازندران را در قالب نقالی روایت می‌کند.

دباغیان سال‌های زیادی است که با ابتکار و نوآوری در هنر نقالی و پرده‌خوانی داستان‌هایی از شاهنامه فردوسی و همچنین واقعه کربلا، هنرنمایی می‌کند.ویژگی بارز هنر وی این است که پیش از اجرای نقالی، به تناسب موقعیت زمانی، مقدمه‌ای از داستان انتخابی را به شیوه نثرخوانی برای مخاطبان روایت کرده، به کمک دو یا سه نفر که لباسی متناسب با واقعه داستان بر تن دارند، حوادث و وقایع را ضمن نقالی و پرده‌خوانی تصویرسازی و بازگویی می‌کند.

همکاران گروه اجرایی دباغیان به‌طور عمده در بخش شاهنامه‌خوانی، مرشدهای زورخانه‌ای و در قسمت پرده‌خوانی، شبیه‌خوان‌های تعزیه‌اند. همانطوری که می‌دانیم نمایش نقالی توسط یک نفر اجرا می‌شود، اما ابتکار وی در به کارگیری نفرات دوم و سوم و حتی بیشتر سبب جذابیت داستان‌گویی و همچنین جذب مخاطبان بیشتری شده است.به گفته این هنرمند نقال، «اگر جسارتی در ساختار اجرایی هنر نقالی انجام شده به خاطر آن است که شاید با این شیوه تلفیقی و موسیقیایی، دوباره هنر نقالی در میان مردم فرصتی برای ظهور، پیدا کند، یابد، زیرا در تاریخ و سرگذشت نقالی همواره این هنرمند نقال و یا پرده‌خوان بوده که به میان مردم رفته و با نفس گرم خود پرده از تاریخ برداشته است.»نقال پیشکسوت شهرستان اصفهان سخن خود را این‌گونه به پایان می‌برد: «شاید وقت آن رسیده که به خود بازآییم و چون گذشته به ایرانی بودنمان ببالیم. سرزمین ایران دارای فرهنگ و تمدنی چند هزار ساله است که جهانیان بر شکوفایی آن کاملا اشراف داشته و دارند و نمی‌توانند به بهانه‌های واهی به جنگ این تمدن غنی و سرشار از ذوق و ادب بیایند.

«رستم و سهراب» به روایت محمد مهدی چایانی

## نقالی، فرصتی برای یادآوری حماسه‌سازان شاهنامه

سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آئینی و سنتی در سال ۸۶ میزبان ۱۵ اثر نمایشی اقتباسی از شاهنامه در قالب پرده‌خوانی، نقالی و غیره است که در این میان، چهار اثر به روایت رستم و سهراب اختصاص دارد.محمد مهدی چایانی، یکی از کهنه‌کاران هنر نقالی، داستان «رستم و سهراب» را به شیوه کاملا سنتی روایت می‌کند. وی که سال ۸۵ در جشنواره قهوه‌خانه‌ای زنجان به عنوان نقال برتر انتخاب شد، با کوله‌باری از تجربه‌های مختلف نقالی و بحرطویل‌خوانی، هنر نقالی را فرصتی برای یادآوری حماسه‌سازان شاهنامه می‌داند و معتقد است:« در عصری که بسیاری از جوانان ما به خاطر زندگی ماشینی و مشغله کاری از شاهنامه و ادبیات غافل شده‌اند، نقالی و پرده‌خوانی می‌تواند تلنگری برای رجوع دوباره نسل امروز به شاهنامه باشد و آن‌ها با این شیوه با پهلوانان و مرزبانان ایرانی که ویژگی اصلی آن‌ها منش و بزرگمردی و آداب انسانی است، آشنا شوند.»

چایانی با ابراز خرسندی از توجه متولیان انجمن نمایش به هنر نقالی و پرده‌خوانی، معتقد است:«اگر بخواهیم هنرهای اصیل و سنتی را حفظ کنیم، باید نگاهمان را نسبت به آنها از حالت موزه‌ای و جشنواره‌ای تغییر دهیم و برای این هنرها جایگاه ویژه‌ای در زندگی روزمره مردم بیابیم، به طوری که برای مردم ملموس و دست‌یافتنی باشند زیرا خاصیت اصلی نقالی و پرده‌خوانی همین است.»

از ویژگی‌های اجرایی محمدمهدی چایانی در هنر نقالی، نثرخوانی است که در کنار آن اشعاری از فردوسی و دیگر نقالانی که سینه به سینه گشته را چاشنی اجرای خود می‌کند و بنا به حضور مخاطب و احساسی که وی از آن‌ها می‌گیرد، فی‌البداهه نقالی می‌کند؛ به طوری که اگر عمده تماشاگرانش زنان باشند، مجالس را به مقتضای آنان نقالی خواهد کرد.

«سیاوش خوانی » مرشد ابوالقاسم دهقان

## شیرین سخنی فردوسی در شاهنامه

مرشد ابوالقاسم دهقان، متولد ۱۳۱۹ شهرستان الیگودرز لرستان، از نقالان شاهنامه‌خوان بنام و صاحب سبک کشورمان است.او از همان دوران کودکی به مرور، ضمن نقالی داستان‌های شاهنامه، اشعاری را در وصف ستایش فردوسی و بعدها سرزمین حماسه‌پرور ایران سروده و منتشر می‌کند. مرشد دهقان با این اشعار زیبا خود را معرفی می‌کند: حکیم است فرزانه شهر طوس/ابو القاسم او نجاست خاکش ببوس/به گفتار و پندار و نیک اختری/سزاوار دانش به پیغمبری/ ببالم بر این نام و مفتخرم/ که دهقان آزاده مدحت گرم.

سبک و سیاق اجرایی مرشد دهقان در شاهنامه‌خوانی با گویش اصیل ایرانی همراه با موسیقی و آواز بختیاری است. در این شیوه بدیع به گونه ای در هنر نقالی نوآوری به حساب می‌آید، وی با شور و حال خاصی سرگذشت پهلوانان ایران زمین را روایت می‌کند. مرشد دهقان در سبک اجرایی خود برخلاف رسم موجود، از پرده‌های نقاشی و تصویرسازی استفاده نمی‌کند. او بر سکو و بلندایی که در برابر دیدگاه مخاطبان باشد، می‌نشیند و همراه با نوازندگی ساز کمانچه شاهنامه خوانی‌اش را آغاز می‌کند. با آن که مرشد دهقان استحقاق آن را داشته و دارد تا در آن سوی مرزها داستان‌های شاهنامه را به سبک و گویش خاص خود در قالبی نو اجرا کند، ولی هنوز موفق نشده همچون دیگر هنرمندان نمایش نقالی و پرده‌خوانی به کشورهای اروپایی برود. از این بابت به نظر می‌رسد متولیان امر در حق وی کم لطفی کرده‌اند.

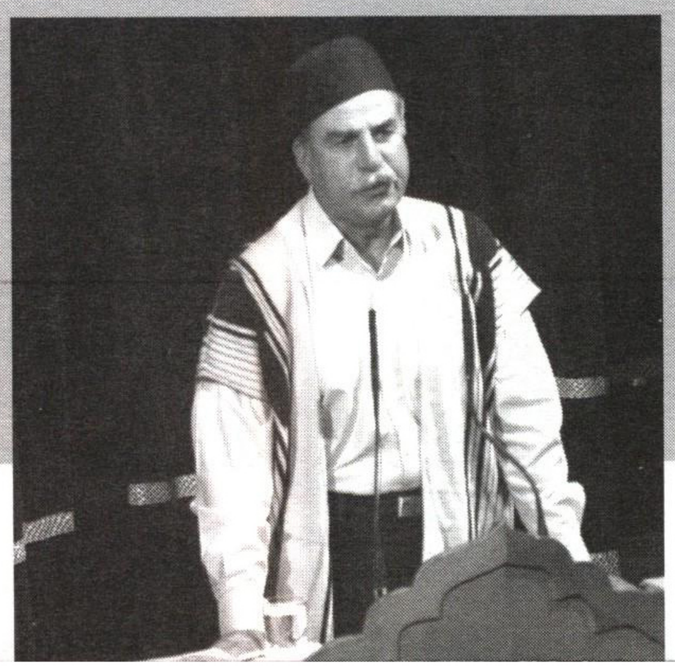

مرشد دهقان به خصوص از مسئولان نظام آموزش و پرورش کشورمان گله‌مند است که در کتاب‌های درسی مقاطع تحصیلی برای ارائه شاهنامه فردوسی در قالب یک واحد مستقل اندیشه و تفکر نکرده‌اند. او معتقد است:« اگر جوانان ما با مضامین ملی و وطن‌پرستی و نوع‌دوستی ایرانیان باستان بیش از این آشنا شوند، هرگز گرفتار کج‌اندیشی و خفتی به نام تهاجم فرهنگی نخواهند شد.»سخن آخر مرشد این است: «بعضی به طعنه برای کوچک شمردن دلاوری پهلوانان ایران زمین می‌گویند رستم و سهراب و اسفندیار افسانه است، غافل از این‌که ایران، مردانی چون رستم را کم به خود ندیده است.»

تکیه

علا الدین قاسمی، تعزیه گردان «مارد بن سدیف»

## اجرای بی زحمت را دوست ندارم

**علا الدین قاسمی از جمله هنرمندانی است کــه در عرصه تعزیــه و تعزیه خوانی جزو صاحب نامان به حساب می آید ، وی تاکنون در داخل و خارج از کشور با اجرای چندین مجلس تعزیه توجه هنرمندان و اندیشمندان بســیاری را به این گونه نمایش ایرانی در عرصه های جهانی جلب کرده است .**

**قاسمی در سیزدهمین جشنواره بین المللی نمایش های آئینی و سنتی با اجرای مجلس شبیه خوانی مارد بن سدیف در بخش مجالس غریب شرکت کرده است.با این هنرمند ارزنده به بهانه اجرای این مجلس گفت و گو کرده ایم.**

**مضمون داســتانی تعزیه مارد بن سدیف چیست ؟**

مارد بن ســدیف فردی بــوده که پدرش به دست حضرت عباس کشته می شود ؛ او کینه این واقعه را به دل می گیرد و تصممیم می گیرد برای انتقام به صحرای کربلا برود ؛ در این بین با حضرت عباس درگیر می شــود اما او نیز به سرنوشت تاریک و شوم پدر دچار شده و توسط علمدار صحرای کربلا کشته می شود .

**این نسخه غریب چگونه برای حضور در جشنواره آماده شد ؟**

بــا توجه به فراخوانی که از ســوی ســتاد جشــنواره اعلام شده بود ما باید آثاری را ارئه می کردیم که تاکنون کمتر در جشنواره ها و حتی مجالس اجرای تعزیه دیده شده است. بنابراین تصمیم گرفتم این نســخه را بــرای اجرا آماده کنم ، این در حالی اســت که بسیاری از نسخه های قابل اجرا و راحت تر نیز برای معرفی به ستاد جشنواره وجودداشت اما من صلاح دیدم با توجه به اهمیت نسخه های غریب شناسانده شود این نسخه را انتخاب کردم.

**مگر نسخه هایی که در این دوره اجرا شدند غریب نیستند ؟**

چرا اما من وگروهم بعضی از نسخه هایی که در این دوره از جشنواره شرکت کرده اند را در سالهای قبل اجرا کرده بودیم. دیدم زحمت آنچنانی برای اجرا ندارند.

**چند ماه تمرین کردید ؟**

برای این نســخه زمانــی بالغ بر یک ماه را صرف کردیم. دریک پروســه زمانی مشخص با شــناخت دقیقی که گــروه از اجزای این اثر داشت در زمان تعیین شده و بعد از بازبینی به جشنواره راه یافت.

محمدحسین سلجوقی،سرپرست گروه«هرمز بازرگان»

## قصه دل شکسته دست بریده و حرم امام

«هرمز بازرگان» عنوان نسخه تعزیه‌ای است که گروه محمدحســین سلجوقی از کرمان آن را در جشــنواره تئاتــر آئینی و ســنتی اجرا و معرفی می‌کند.

محمدحسین سلجوقی که بیش از ۳۵ سال از عمر خود را به تعزیه اختصاص داده است، در معرفی این نسخه می‌گوید: «این نسخه‌های غریب از گذشــته میان تعزیه‌خوان‌ها دست به دست گشــته و برحسب شــرایط و مناسبت خوانده می‌شده است. در این نسخه، داستان مرد بازرگانی به نام هرمز تعریف می‌شــود که اهل هند اســت و در بلخ و بخارا زندگی می‌کند،او که مسلمان هم نیست، تصمیم می‌گیرد به اتفاق دیگر دوســتان و همکارانش برای تجارت به مشهد برود.

محمدحســین سلجوقی که هر عصر جمعه در کرمــان و در مجتمــع تعزیه‌خوانی فاطمیه زندی‌آبــاد، مجلــس تعزیــه برگــزار می‌کند، می‌گوید: «از آنجا که اجرای تعزیه برای ما یک

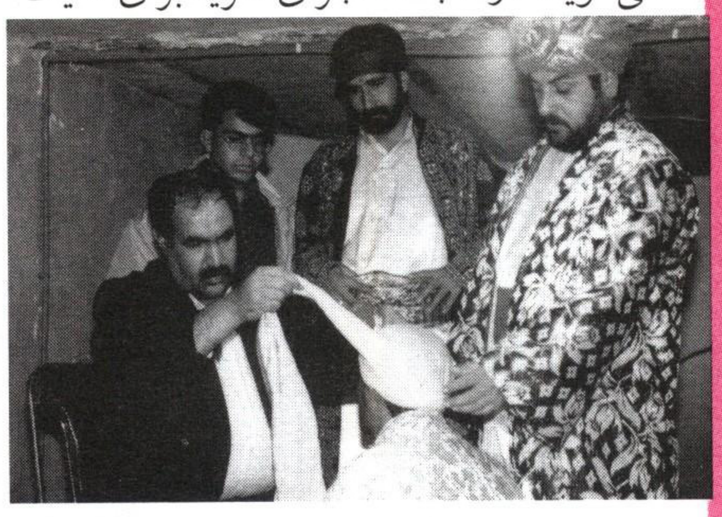

کار دائمی اســت و هر هفته نســخه جدیدی می‌خوانیــم ، نســخه‌های غریب هــم خوانده می‌شوند. این تعزیه علاوه بر مجالس معروف دهه محرم، در طول سال هم به اجرا درمی‌آیند.»

او بــرای معرفــی یک نســخه غریب دیگر به تعزیه «خاک بازی امام حســین(ع)» اشــاره می‌کند که در آن کودکی امام و عمرابن ســعد بیان می‌شــود و پیش گوید پیامبر از سرنوشت دو کودک همبازی.از تعــداد تعزیه‌خوان‌های گروه که می‌پرســیم پاسخ می‌دهد: «معمولا در کرمان، تعداد افراد در تعزیه بســته به کاری که اجرا می‌شود، تعیین می‌شوند. برخی از تعزیه‌ها مثل شهادت امام حسین(ع)، شهادت حضرت ابوالفضل(ع) یا تعزیه عاشورا با ۱۰۰ نفر به اجرا درمی‌آیند، اما تعزیه هرمز بازرگان هفت تا ۱۰ تعزیه‌خوان دارد.»

او که تعزیه‌خوان‌ها را راوی خطاب می‌کند، از حسین زند آبادی، محمدمهدی میراحمدی، محمــد زند آبــادی، عباس نخعــی، علیرضا طاهری، مجتبی جعفری و ... نام می‌برد و یادآور می‌شود که خودش به عنوان معین البکا در این مراسم حضور خواهد داشت.

علیرضا مدنی، کارگردان نمایش «مسیح موعود»

## برداشت آزاد از روز واقعه

گروه تئاتر «ساعی» از اراک با کارگردانی علیرضا مدنی برای نخســتین‌بار است که با نمایش «مسیح موعود» در بخش تجربه‌های نــو جشــنواره نمایش‌های آئینی و ســنتی شرکت می‌کنند.

**ایده نمایش «مســیح موعــود» از کجا شکل گرفته است؟**

این نمایش برداشتی آزاد از داستان «روز واقعه» است و داستان یک جوان مسیحی را روایت می‌کند که در شب عروسی‌اش ندای امام حســین(ع) را می‌شنود و زمانی که به ســمت صدا می‌رود، دیر شــده است، ولی او بــا دیدن صحرای کربلا ایمان می‌آورد و مسلمان می‌شود.

**برداشت آزاد شما از این داستان تا چه انــدازه در جهت اهداف جشــنواره تئاتر آئینی و سنتی است؟**

بیشــترین تمرکز ما در شــکل اجرایی آن اســت. به ایــن صورت کــه در اجرای ایــن نمایش، تلفیقی از تعزیه و نمایش‌های «تخت‌حوضی» را در نظر گرفته‌ایم.

**این دو شکل اجرایی را در چه مسیری هدایت و تلفیق کرده‌اید؟**

در اجــرای کار، از هــر کــدام از ایــن تکنیک‌ها، نمادهایی را گرفته‌ایم که به طرح اولیه‌ای که در نظر داشتیم، نزدیک بود. مثلا از تخت‌حوضی شــیوه‌های عروسک‌بازی را گرفتیــم و از تعزیه نیــز رنگ‌آمیزی‌ها را برداشت کردیم، به همین دلیل هم از مضامین این تکنیک‌ها استفاده نکردیم.

**اشاره به طرح اولیه نمایش کردید، این طرح تا چه اندازه با نمایشــی که در حال حاضر اجرا می‌کنید، همسو است؟**

در طرح‌هایی که ابتدا زدیم، چند داستان مختلــف و چنــد ایــده متفــاوت را دنبال می‌کردیم که بعــد از اتودزدن‌های مختلف و دراماتورژی که روی آن صورت گرفت، احســاس کردیم که داستان تا حد زیادی به «روز واقعه» نزدیک شــده است، هرچند که چیزی از اتفاقات نمایش «مسیح موعود» در «روز واقعه» وجود ندارد.

سعید ابوطالب، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس:

# آئین‌های سنتی ریشه‌های مذهبی و ملی ما هستند

**سعید ابوطالب، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، اعتقاد دارد آن‌طور که شایسته و سزاوار هنر تئاتر است، به این هنر نمایشی ارج ننهاده‌ایم و از تشکل‌های نمایشی که اغلب بومی و محلی هستند، حمایت نکرده‌ایم.**

**نمایش‌های آئینی و سنتی تا چه اندازه‌ای برگرفته از فرهنگ ایرانی اسلامی هستند؟**

از آنجایی که آئین‌ها و سنتی‌هایی که هر ساله به آن‌ها رجوع می‌کنیم ریشه‌های مذهبی و ملی کشور ما هستند، معتقدم فرهنگ ملی و فرهنگ مذهبی ما در طول تاریخ از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و فرهنگ فعلی ما هم برگرفته از همین آئین‌هاست.

مراسم ازدواج، ترحیم و بزرگداشت‌های ما شبیه به یک نمایش برگزار می‌شوند که کارگردانی آن‌ها به صورت خودجوش و درونی است. همه این آئین‌ها، سنت‌های مذهبی ما محسوب می‌شوند که برخی از آن‌ها شامل نقالی، روضه‌خوانی، تعزیه و ... است. عناصری فرهنگی و ملی که باید حفظ شوند، اما نباید اصرار داشت که این آئین‌ها را با تئاتر مدرن گره زنیم.

**با توجه به این شرایط، به نظر شما برگزاری جشنواره آئینی و سنتی می‌تواند به تئاتر ملی ما کمک کند؟**

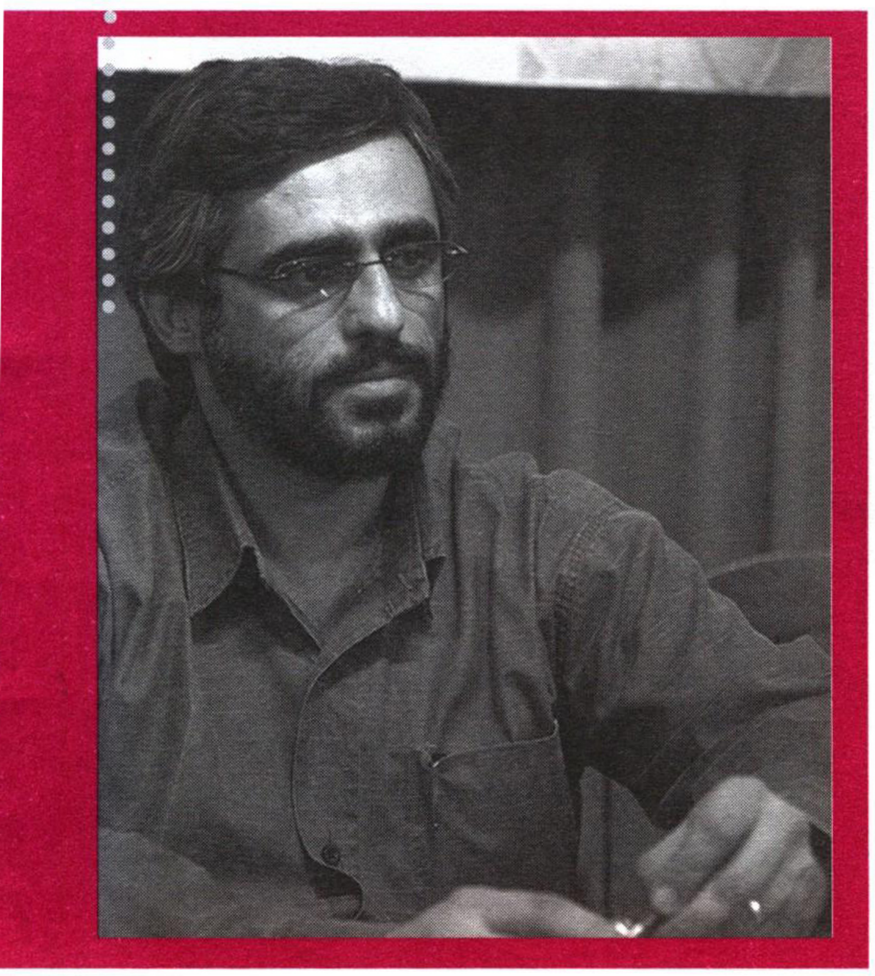

برگزاری همایش، جشنواره، بزرگداشت و ... خوب است اما به شرطی که تداوم داشته باشد و چنین همایش‌هایی خود به یک نمایش تبدیل نشود. شاهد هستیم که گاه این جشنواره‌ها شکل نمایشی دارند. یک مدیر فرهنگی برای بالا بردن بازده کاری‌اش ۱۰-۲۰ جشنواره برگزار می‌کند و عده‌ای آدم را اجیر می‌کند که این نقش‌ها را بازی کنند و بعدش بروند. چنین جشنواره‌هایی پایه و اساس ندارد و برای نفس هنرهای نمایشی خطرناک است. ولی اگر آفت نداشته باشند، حتما خوب و ارزشمندند.

**به نظر شما چه عواملی مانع رشد تئاتر در کشور ما شده است؟**

می‌توان به عدم باور مدیران کلان فرهنگی به این مقوله اشاره کرد، زیرا حوزه تئاتر برای آن‌ها ناشناخته است و غالبا نسبت آن را با فرهنگ سنتی ما درک نمی‌کنند. از آنجا که رویکرد تئاتر قبل از انقلاب یک رویکرد سیاسی بود و حکومت‌ها از آن در نظام‌های سیاسی استفاده ابزاری می‌کردند، بعد از انقلاب هم به دلیل همان رویکرد سیاسی نتوانستیم این هنر را حفظ کنیم؛ بنابراین دچار مرگ تدریجی شد. در حالی که صحنه تئاتر مقدمه‌ای برای آموختن هنرهای نمایشی سینما و تلویزیون است.

**پس معتقدید مدیران فرهنگی کشور آن طور که سزاوار است، برای پیشبرد هنرهای نمایشی برنامه‌ریزی نکرده‌اند؟**

همین‌طور است. متاسفانه، ما به هنر تئاتر ارج ننهادیم و ضمن این‌که از تشکل‌های مردمی و غیرمردمی فعال در این رشته هنری حمایت نکرده‌ایم، حتی از فراهم کردن امکانات اولیه تئاتر از قبیل سالن‌های استاندارد و یا معمولی غافل شده‌ایم. بالطبع، نتیجه مشخص است. در حالی که در تهران از تئاتر به معنای واقعی کلمه، خبری نیست، مسلما در شهرستان‌ها نیز وضع مناسبی وجود ندارد. باید فرصتی مهیا شود تا نهادهای مردمی و تشکل‌های غیردولتی در فضای مناسب رشد کنند تا ما در عرصه ملی نمایشنامه نویس، بازیگر و کارگردان موفق داشته باشیم. ولی با اوضاع فعلی من اصلا امیدوار نیستم که این نگرش تغییر کند.

سیدمحمدرضا میرتاج‌الدینی
عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی:

# نمایش‌های «آئینی و سنتی» میراث فرهنگی و معنوی ایرانیان است

**سیدمحمدرضا میرتاج‌الدینی، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، نمایش‌های آئینی و سنتی را عناصری پایه‌دار و تاریخی برخوردار از ریشه‌های فرهنگی و دینی جامعه می‌داند و معتقد است خاستگاه اصلی هنرهای آئینی و سنتی اسلام است**

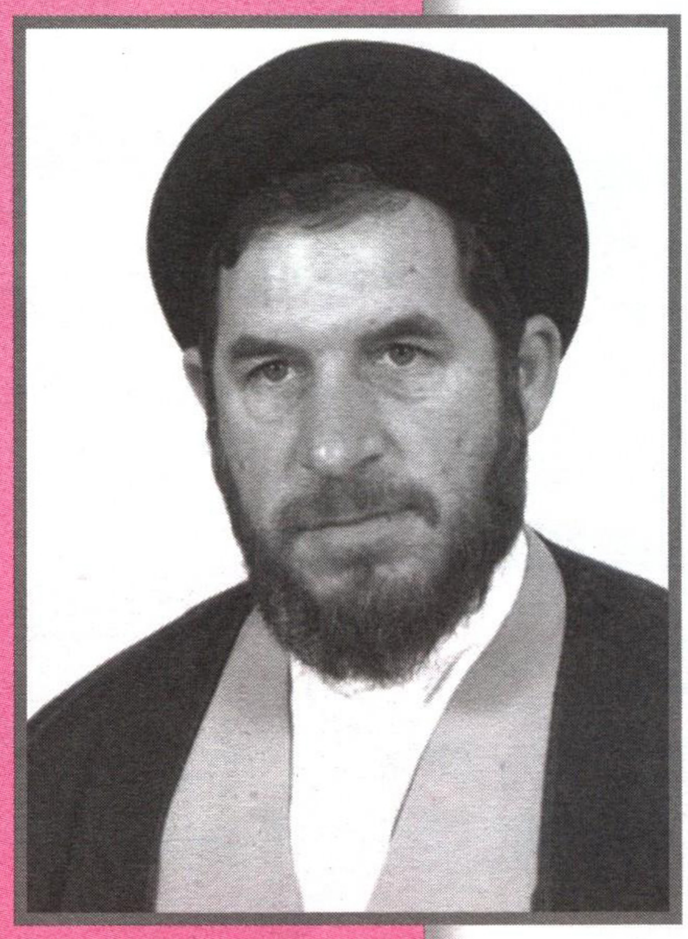

**تعریف شما از نمایش‌های آئینی و سنتی چیست؟**

در گذشته که رسانه‌های مدرن امروزی همچون تلویزیون، سینما و تئاتر و... موجود نبود، هنرمندان برای انتقال مفاهیم تاریخی و مذهبی که در جامعه تاثیرگذار بودند، از این شیوه‌های نمایشی استفاده می‌کردند و به دیالوگ‌های نمایشی روی می‌آوردند و در نتیجه، آئین‌های سنتی و مذهبی نزد مردم جایگاه ویژه‌ای داشت. با این وجود، اکنون نیز تئاتر همچنان توانسته جایگاه خود را در افکار عمومی حفظ کند و نمایش‌های آئینی و سنتی نیز به هیچ وجه منزوی نشده است.این نشان می‌دهد که این هنر از شاخصه‌ها و مولفه‌های پایه‌دار و تاثیرگذاری بهره‌مند است. بنابراین، جشنواره نمایش‌های آئینی و سنتی بازگشتی به گذشته با استفاده از امکانات امروز است.

**برگزاری جشنواره و تاثیرات آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

طبیعتا، برگزاری جشنواره، این نمایش‌ها را در متن جامعه مطرح می‌کند و موجب رشد و خلق آثاری جدید و متناسب با شرایط زمان می‌شود. جشنواره از مورد غفلت قرار گرفتن چنین نمایش‌هایی جلوگیری می‌کند و آن‌ها را در ذهن جامعه و افکار مردم زنده نگه می‌دارد.

**به نظر شما، اهالی تئاتر می‌توانند با استفاده از متون آئین‌های سنتی که ریشه در هویت ایرانی اسلامی دارد، تئاتر ما را جهانی کنند؟**

تئاتر دارای ویژگی‌ها، امتیازات و ظرفیت‌هایی است که اگر با آئین‌های سنتی ما تلفیق شود، سبک و شیوه جدیدی ابداع خواهد شد که برای جهان تازگی و جاذبه خواهد داشت، همچنین می‌تواند به‌عنوان میراث فرهنگی و معنوی ایرانیان و مکتب تشیع به جهانیان معرفی‌شود.

**به‌عنوان یکی از اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس، آیا طرحی برای حمایت از نمایش‌های آئینی و سنتی دارید؟**

کمیسیون فرهنگی از طرح‌ها و جشنواره‌هایی که به اصالت‌های فرهنگی و آئینی می‌پردازند و از اقداماتی که در راستای نمایش‌های سنتی است، حمایت می‌کند.

## Ardalan:

# Rite is a Concept

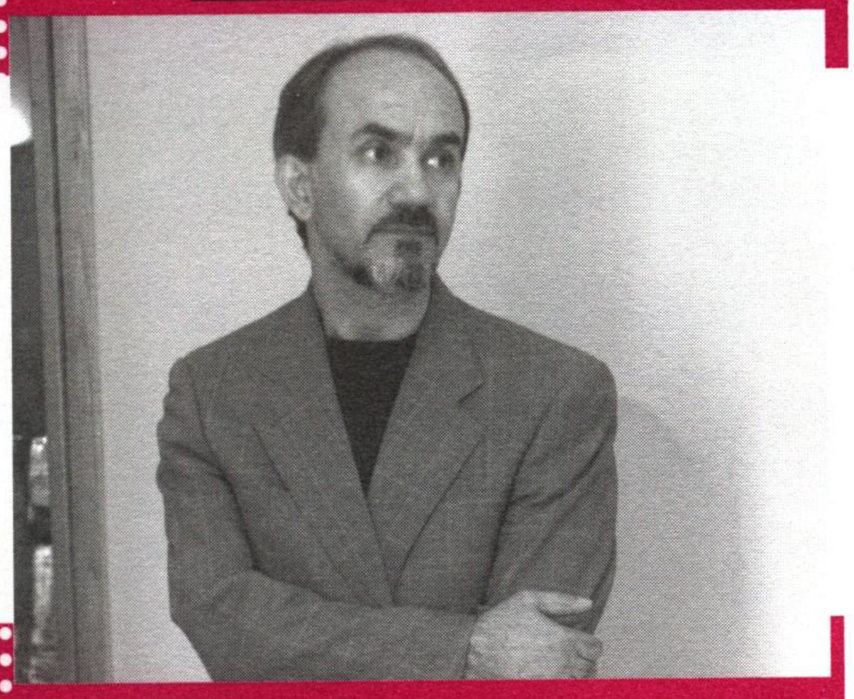

Rite is a positive referral to tradition. This is the definition of Hamidreza Ardalan for rites and traditions.

The member of policy making council of the 13th International Ritual – Traditional Theatre Festival believes that this festival needs to a long-term providence and management.

He says: "We want to do well, but in short time and with almost no material. So, assessing the Ritual – Traditional Theatre Festival is not possible before happening. We should wait until the last day and evaluate it after the closing ceremony."

# Indian Traditional Puppeteers; A Vanishing Tribe

Traditional puppetry in India is a family occupation, which is followed for several generations without any alternate means of livelihood. In some regions / states, the puppet artists also work in agricultural fields.

Ms. Sowacar Seethalakshmi who hails from Andhra Pradesh learnt the art from her uncle, Shri. M. V .Ramanamurthy, a well-known leather puppeteer. She has staged shows and participated in number of puppet festivals, workshops and seminars both at National and International levels. She is presently working in the Central Leather Research Institute (CLRI), as an artisan and instructor of the puppet section.

Besides, traditional leather puppet shows, she also occasionally performs contemporary puppet shows on social issues. Her repertoire includes stories from Ramayana, Mahabarata, Lord Ayyappa and also from Panchatantra. She performs in temple festivals, birthday parties, rotary and lions club functions, puppet festivals, etc. Ms. Seethalakshmi is the receipt of several honors, medals, awards, etc. including the coveted Kalaimamani award of the TamilNadu state Government in 1987.

Sowacar Seethalakshmi has come to the 13th International Ritual – Traditional Theatre Festival with her "Lord Ayyappa" puppet theatre.

# Research is the Base of Theatre

The Ritual – Traditional Theatre Festival in its 13th year remembers us that we should save our cultural identity. We should find the salvation road in order the next generation won't forget ritual traditional theatre, Siah-bazi and Kheimeh-shab-bazi as the cultural heritage of Iranians.

Mahmood Ostadmohammad believes that those countries which have advanced educational system allocate high percent of their scientific budgets to research and the art is not an exempt. Research has in important role in our theatre, but unfortunately there would not any real and firm effort in this area.

Behrooz Gharibpoor says: The basis of a nation and society progress is research and recognizing its roots, not only in the realm of culture, but in all aspects. In the field of ritual and traditional theatre we need an active research center, a phrase not become a real dream.

Hossein Kiani sees the research about ritual and traditional theatre as a wing for this kind of theatre to go ahead and believes that research affects its perseverance and development.

TOOMAR

Daily Bulletin of
The 13th International
Ritual - Traditional
Theater Festival
August 2007

## Commedia Dell'arte in Honar Hall

"Die in Venice" directed by Carlo Boso went on the stage of Honar Hall in the third day of the 13th International Ritual – Traditional Theatre Festival.
Some of the theatre professors and students saw this theatre of commedia dell'arte which will be performed till the last day of Festival, i.e. Monday.
"Die in Venice" or "Mori a Venezia" is a -120minute performance from Italy and tells the story Jessica, Shylock's daughter, who falls in love with Sinbad and makes her father very angry. Poor Antonio has migrated to south in search of better life …

## Deputy-Minister Went to City Theatre

Mohammadhossein Imani Khoshkhoo, Deputy-Minister of Culture and Islamic Guidance, visited different sections of City Theatre Complex.
Imani Khoshkhoo and Hossein Parsaee General Manager of Dramatic Arts at first visited the cafeteria of Complexs Main Hall and both participated in Tornabazi show. Coffeehouse had been very interesting with the presence of two official authorities of Iran>s theatre.
After that, Imani went to see other theatres in City Theatre different halls and talked to theatre groups.

## Samandarian, Special Guest of Fourth Day

Hamid Samandarian, Iranian top director and theatre professor, and Mehrdad Rayani Makhsoos Director of City Theatre Complex, participated in Tornabazi show.
Samandarian in the fourth day of the 13th International Ritual – Traditional Theatre Festival invited to Tornabazi show by Pezhman Kashefi the ruler of the show and then he talked about theatre and audience.
Rayani Makhsoos, Ali Soleimani and Hedayat Hashemi who are young actors of theatre and cinema were other special guests of last day>s Tornabazi show.

## Media are Active

Reporters and journalists of different media had been very active during the first four days of the 13th International Ritual – Traditional Theatre Festival.
Different TV and radio newsgroups have covered all events of the festival in last four days and the representatives of ISNA, MEHR, FARS, CHN and IRNA news agencies covering all sections with their full and permanent presence.
Meanwhile, different newspapers have allocated their main photos and top titles to this international cultural event.

با همکاری
Dramatic Arts Center